

نام تعدادی از دانشمندان مسلمان ایرانی که برجسته و ویژه هستند



محمد تقی صر فی پور



مقدمه

بعد حمد و شکر الهی و سلام و درود فراوان بر محمد مصطفی (ص) و اهل بیت طاهرینش.

دانشمندان از بهترین اقشار جامعه هستند زیرا دارای علم و دانش می باشند و علم و دانش برکات فراوانی برای جامعه و کشور دارد.

کشوری که دانشمندان زیادی دارد ان کشور یقینا پیشرفت های فراوانی خواهد کرد چه در زمینه مادی و چه در زمینه معنوی

خوشبختانه کشور ایران همیشه مهد دانشمندان بزرگی بوده است. چه دانشمندان قدیم مانند بوعلی سینا و زکریای رازی و ابوریحان بیرون و خواجه نصیر طوسی و فارابی و...

چه دانشمندان قرن اخیر. مخصوصا بعد از انقلاب اسلامی که به دانشمندان بها و ارزش بیشتری داده شده است.

ما در این کتاب به دانشمندانی که پدر علم خاصی نامیده شده اند
پرداخته ایم و اطلاعاتی درباره ایشان برای شما در اینجا آورده ایم.
همچنین روایاتی درباره فضیلت علم و دانش آورده ایم. درباره جایگاه
معلم مطالبی ذکر نموده ایم و...

و یادی کردیم از دانشمندان هسته ای که شهید شدند ...

بهار 1403. کرمانشاه

محمد تقی فاطمی

محمد تقی فاطمی را **پدر علوم ریاضی نوین در ایران** میدانند. وی در سال ۱۲۸۳ ه.ش در شهر اصفهان دیده به جهان گشود.

پس از طی تحصیلات ابتدایی و متوسطه عازم فرانسه شد و پس از نگارش رساله تخصصی استعمال گروهها در هندسه و کسب درجه پروفیسوری ریاضیات از دانشسرای عالی پاریس به میهن بازگشت.

وی در دانشسرای عالی تهران به تدریس علوم ریاضی و مکانیک استدلالی پرداخت و نخستین متخصص مکانیک تحلیلی کشورمان بود.

پس از تاسیس دانشگاه تهران در سال ۱۳۱۳ پروفیسور فاطمی در همان سال دانشکده فنی تهران را بنیان می نهاد. بعدها در تاسیس دانشکده علوم نیز مشارکت می نماید و سالها در این دانشکده به تدریس می

.پردازد

استاد فاطمی با همکاری دوستانش ۲۶ جلد کتاب ریاضی در موضوعات
مثلثات و مکانیم استدلالی برای دانشگاهها و دبیرستانها -جبر- هندسه
.تالیف و تدوین کرد

وی در سال ۱۳۴۷ به خاطر عشق وافر به امام رضا(ع) عازم مشهد شد و
به تدریس و مدیریت گروه ریاضی دانشگاه فردوسی مشهد همت
.گماشت

پروفسور فاطمی در بیست و دومین کنفرانس ریاضی کشور در سال
۱۳۶۹ به عنوان استاد پیشکسوت ریاضیات ایران در قرن معاصر مورد
.تقدیر قرار گرفت

وی در سال 74 وفات یافت.

.....

مهندس احمد دالكي

وی که **پدر علم نجوم آماتوری ایران** ملقب شده . تحصیلات ابتدایی را در شیراز به پایان رساند و نخستین دوره‌ی تحصیلات دانشگاهی خود تا مقطع کارشناسی را نیز در شیراز سپری کرد. احمد دالکی در سال 1337، از دانشکده‌ی کشاورزی شیراز، مدرک مهندسی کشاورزی خود را دریافت و سپس برای ادامه تحصیل به خارج از ایران سفر کرد. استاد فتوگرامتری) (دالکی موفق به کسب مدرک مهندسی نقشه‌برداری هوایی مؤسسه‌ی بین‌المللی هوا و فضا و علوم زمین در دلفت هلند در سال‌های 1342 تا 1343 شد. چهار سال بعد مدرک مهندسی تفسیر عکس‌های هوایی با کاربرد در تشخیص منابع زمین را از همین مؤسسه در هلند مهندس دالکی سپس دوره‌ای آموزشی - تخصصی را در دریافت کرد ایالت داکوتای جنوبی در آمریکا در سال 1355 <سوفالز> شهر گذراند. این دوره درباره‌ی سنجش از راه دور و کاربرد تصاویر ماهواره‌ای در تشخیص منابع زمین بود و در مرکز مشترک آموزشی سازمان زمین‌شناسی آمریکا و سازمان فضایی و هوانوردی برگزار شد. پس از بازگشت به ایران، از سال 1338 (NASA) آمریکا تا دو سال پس از انقلاب در سازمان جنگل‌بانی مشغول به فعالیت بود.

سپس از سال 1351 تا 1356 در سازمان حفاظت محیط زیست، که در آغاز سازمان شکاربانی و نظارت بر صید نام داشت، فعالیت داشت. استاد احمد دالکی در تمام این سالها، یعنی از حدود سال 1345، در دانشگاهها تدریس میکرد. نزدیک به دو دهه مدرس دانشگاه شهید بهشتی تهران بود (از اوایل دهه ی پنجاه تا پس از انقلاب) و به تدریس سنجش از دور، نقشه خوانی، کارتوگرافی، مساحی، علوم وابسته به آن و به ویژه به تدریس درسی با نام زمین در فضا کوشیده است. در سال 1359 نیز پس از سالها تلاش بازنشسته شدند. در خلال این سالها عمده ی فعالیت استاد دالکی در زمینه های مربوط به مطالعات ستاره شناسی در بین طبقات مختلف مردم به ویژه جوانان علاقه مند و سعی در اختصاص دادن اوقات فراغت آنها به این سو بوده است. مهندس احمد دالکی به جز کتابهای تخصصی در رشته تفسیر عکس های هوایی و ماهواره ای (دانشگاه تهران 1364 و مرکز نشر دانشگاهی 1363)، کتاب زمین در فضا را نوشته و دانشگاه شهید بهشتی آن را منتشر کرد. ویراستاری علمی کتاب دانشنامه همگانی نجوم مربوط به

بنیاد دانشنامه بزرگ فارسی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری را نیز

انجام داده است

دکتر محمد قریب

محمد قریب (۱۲۸۸ در تهران - ۱۳۵۳) از اولین پزشکان متخصص

طب اطفال ایران و **بنیانگذار طب نوین اطفال در ایران** و از بنیانگذاران

بیمارستان مرکز طبی کودکان بود.

دکتر قریب در سال ۱۳۲۱ موفق به دریافت نشان عالی دولت فرانسه

شد و در سال ۱۳۵۰ به عضویت هیئت مدیره انجمن بین المللی

بیماریهای کودکان در آمد. همچنین در آخرین سالهای عمر وی موفق به

دریافت نشان درجه اول فرهنگ از وزارت آموزش و پرورش شد.

وی در طول سالهای فعالیت علمی خود در کنگره‌های مختلف بین المللی

در کشورهای مختلف از جمله فرانسه، آمریکا، کانادا، ژاپن، ترکیه و

اتریش شد و عضویت چندین مجمع علمی بین المللی را برعهده داشت.

وی اولین تعویض خون را در ایران انجام داد و از بنیانگذاران انتقال خون

در ایران بود.

از مهمترین اقدامات او بنیانگذاری و تأسیس اولین بیمارستان تخصصی

کودکان یعنی بیمارستان مرکز طبی کودکان به همراه دکتر حسن اهری

بود که ایشان این اقدام را در زمان بازنشستگی خود انجام دادند مرحوم

دکتر قریب در حین فعالیت علمی فعالیت سیاسی و اجتماعی نیز داشت

به گونه‌ای که بارها در کلاس درس به اقدامات رژیم پهلوی انتقاد نموده

و پس از واقعه ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ نیز پس از امضای یک بیانیه به همراه

۱۰ تن دیگر از اعضای هیئت علمی دانشگاه مانند مهندس بازرگان،

دکتر سحابی و دکتر نعمت الهی به دستور محمدرضا شاه از دانشگاه

اخراج شد که این موضوع باعث افزایش محبوبیت ایشان در بین

دانشجویان و جامعه دانشگاهی گردید.

وی در سال 1353 وفات یافت.

دکتر جمال الدین مستقیمی

وی که ملقب به **پدر آناتومی ایران** است، هشت پژوهش علمی را در زمینه آناتومی در مجامع جهانی به نام کشورمان ثبت کرد که از جمله آنها "اثبات عدم ارتباط بین دو پیاز شامه در مغز" می باشد که در سال 1965 و در هشتمین گنگره بین المللی آناتومی و تشریح در آلمان مورد تصویب و ثبت جهانی قرار گرفت.

از دیگر کشفیات ایشان می توان به پیدا کردن دو رشته عصبی در مغز " که یکی از آنها به قطعه پیشانی و دیگری به کپسول خارجی می رود اشاره کرد. پیدا کردن طبقه عمقی رباط دلتوئید (که در

ارتوپدی نقش بسیار مهمی دارد) و ثبت آن در مجامع جهانی از دیگر پژوهش های این مرد علم است.

همچنین تهیه مدل های بیوپلاستیک در سال 1960 در کشور آلمان برای اولین بار از دیگر کارهای دکتر مستقیمی در دنیا بود که به دلیل تواضع دکتر مستقیمی و عدم ثبت این مدل ها به نام خودشان، 20 سال بعد به

نام یک آلمانی ثبت می‌گردد و در حال حاضر نیز 160 مدل از مدل‌های بیوپلاستیکی که در دانشگاه علوم پزشکی مشهد وجود دارد نیز در دنیا بی‌نظیر است. وی تا آخرین سال‌های عمر همواره عاشقانه به تدریس در دانشگاه و پژوهش علمی ادامه داد و در سال 1379 به عنوان پزشک نمونه شناخته شد.

در دفتر خاطرات دکتر مستقیمی از قول یکی از اساتید علم آناتومی این چنین می‌خوانیم: «من همیشه با خودم می‌اندیشم آیا کسی در ایران و دنیا می‌تواند جایگزین جمال الدین مستقیمی این عاشق بی‌ادعا خاموش و «یکه تاز آناتومی باشد»

نتیجه این همه تلاش تشریح بیش از 800 جسد انسانی به علاوه اجساد حیوانات بی‌شمار است. ضمن آنکه هر استاد آناتومی فقط در یک قسمت تبحر دارد ولی دکتر مستقیمی به تمام قسمت‌های بدن با تمام جزئیات اشراف داشت که این تعداد تشریح و این تبحر در بین آناتومیست‌ها یک رکورد بی‌نظیر است.

دکتر جمال الدین مستقیمی تالیفات متعددی در زمینه علوم پایه دارد که مشهورترین کتاب ایشان "کالبد شکافی" است که به دلیل تسلط کامل

وی به سه زبان آلمانی، انگلیسی و فرانسه تصحیح کتاب‌های
SO BOTTA و GRAYS معتبر آناتومی جهان از جمله
را بر عهده گرفته که این امر اسباب افتخار جامعه ANATOMY
پزشکی ایران می‌باشد..

محمود بهزاد

وی که **پدر زیست شناسی ایران** لقب گرفته در سال ۱۳۴۱ مامور تاسیس سازمان کتاب های درسی شد و مدت دو سال ریاست این سازمان را به عهده داشت. خدمات درخشان او در سازمان کتاب های درسی فراموش نشدنی است؛ با تلاش او همه کتاب های درسی ایران (از دوره ابتدایی تا پایان دوره ٔ متوسطه) تدوین و تالیف شد و با رسم الخط واحدی به چاپ رسید. در سال ۱۳۶۰ به زادگاه خود بازگشت و همکاری خود را با انجمن داروسازان گیلان آغاز کرد و با بیش از ۶۰ سال تدریس در زمینه های مختلف زیست شناسی، فیزیولوژی و ژنتیک به عنوان «پدر زیست شناسی نوین ایران» معروف شد. استاد دکتر بهزاد پرکارترین نویسنده و مترجم کتاب های علمی در ایران است. تعداد تالیف ها و ترجمه های او به ۹۸ جلد کتاب می رسد که ۶۳ کتاب را به تنهایی و ۳۵ کتاب دیگر را به یاری همکاران دانشمند خود تالیف و ترجمه کرده است. آثار او عموماً مورد استقبال و توجه دانش پژوهان، دانشجویان و دانش آموزان قرار گرفته و برخی از تالیف ها و ترجمه های وی همانند «داروینیسیم و تکامل» اکنون به چاپ دهم رسیده است.

اغلب آثار استاد بهزاد توسط ناشران معتبر همانند بنگاه ترجمه و نشر کتاب، شرکت سهامی کتاب های جیبی، امیرکبیر، خوارزمی، نیل، کتاب فروشی مرکزی و نیز انتشارات دانشگاه ها چاپ و منتشر شده است. علاوه بر آثاری که نام برده شد و نیز کتاب هایی که با همکاری دیگر استادان منتشر ساخته، صدها مقاله در زمینه های مختلف از وی به چاپ رسیده است. تا روزهای پایانی عمر نیز با همکاری انجمن داروسازان، مجله «حکمت» حاوی آخرین اطلاعات پزشکی و داروسازی را در رشت منتشر می کرد..

از جمله آثار وی می توان به بیولوژی برای همه، آیا به راستی انسان زاده میمون است؟ (چاپ ۴)، بدن من (چاپ ۲)، علوم سال سوم دبستان های کشور، علوم سال چهارم دبستان های کشور، نکاتی چند درباره ژنتیک (چاپ ۲)، نکاتی چند درباره فیزیولوژی عمومی، نکاتی چند درباره فیزیولوژی اعصاب و غدد داخلی (چاپ ۲)، نکاتی چند درباره زیست شناسی (چاپ ۲)، نکاتی چند درباره روانشناسی فیزیولوژیک، داروینیسیم و تکامل (چاپ ۹) و ترجمه و تالیف آثار بی شمار دیگری اشاره کرد.

وی در سال 71 مصادف با زادروز تولد حکیم زکریای رازی و روز
داروساز از سوی انجمن داروسازان به عنوان استاد نمونه کشور معرفی
شد.

دکتر بهزاد هشتم شهریور 1386 در رشت درگذشت.

پروفسور یحیی عدل

وی که **پدر علم جراحی نوین** در ایران لقب گرفته و این پزشکی است که نخستین جراحی های مختلف بدن را از جمله قلب، مری، در ایران انجام داد و در این زمینه شاگردان بسیاری تربیت کرد، دکتر عبدالمجید حسابی، دکتر هدایت، دکتر وفائی، سرتیپ دکتر نیّری و دکتر حمید سمیعی جراح برجسته ارتش نیز از شاگردان پروفسور یحیی عدل بودند.

همچنین گفته می شود که پروفسور عدل از پزشکان معالج آیت الله کاشانی، آیت الله بروجردی و دکتر مصدق بوده است.

از زنده یاد استاد عدل، ده ها کتاب و مقاله علمی معتبر به جا مانده که به عنوان منابع ارزشمند علمی، مورد استفاده دانش دوستان قرار می گیرد:

پروفسور عدل در 1374 کتابی با عنوان انفارکتوس روده فرانتز، همراه

با دکتر حیدر صدرالدین نیری، تألیف کرد که در سال 1377 چاپ مجدد شد. کتاب لوسین لژه با عنوان سمیولوژی جراحی، ترجمه و تنظیم جلال سید فرشتی و عبدالحمید حسابی، زیر نظر پروفیسور یحیی عدل در سال 1345 منتشر گردید.

کتاب دیگری نیز با عنوان هیداتیوز، بیماری هیداتی با نظارت و راهنمایی پروفیسور عدل در سال 1346 به همت دانشگاه تهران منتشر شد. پروفیسور یحیی عدل همچنین مکتبی در ایران پایه گذاری کرد که به مکتب عدل شهرت دارد. شاگردانش قبل از انقلاب مجله‌ای به نام مکتب عدل منتشر می‌کردند که حاوی آخرین اطلاعات علمی در این رشته بود. شاگردانش می‌گویند که پروفیسور عدل همیشه خود می‌گفت که من میدانم این بیماری بود یا چیزی دیگر که من هر چه را که میدانستم و یاد گرفته بودم باید به شاگردانم یاد میدادم.

از دیگر خصوصیات این بزرگ مرد تاریخ طب و جراحی ایران، حضور استثنایی او در جلسه مشاوره‌های پزشکی است. او حتی در سن 92 سالگی هر موقع شبانه روز درخواست میشد بر بالین بیمار حاضر میشد و همیشه حتی اگر جراح اول مرتکب اشکال هم شده بود، بار مسئولیت او

را به دوش می‌گرفت

پروفسور عدل را میتوان قهرمان اولینها نامید، زیرا غیر از بسیاری از
اولین جراحیهای شکم، اولین جراحی قفسه صدری، اولین جراحی مری،
اولین جراحی قلب، اولین جراحی ستون فقرات، اولین استئوسنتزها و
اولین شکستگی گردن، ران و حتی بعضی جراحیهای مغز و اعصاب را
برای اولین بار در ایران انجام داد

وی در سال 1381 وفات یافت.

سید مهدی الوانی

وی که **پدر علم مدیریت ایران** لقب گرفته در سال 76 به عنوان استاد

نمونه انتخاب گردید. مدتی رییس دانشکده حسابداری و مدیریت

دانشگاه علامه طباطبایی و زمانی هم مدیر گروه مدیریت دولتی بود.

در این دوران کتاب و مقالات چندی نوشته است. از جمله کتابهای وی:

- مدیریت بر مبنای هدف و نتیجه، ترجمه، چاپ سوم، مرکز آموزش

مدیریت دولتی، به اتفاق دکتر معتمدی

- مدیریت عمومی، تألیف، چاپ هفتم، نشر نی

- مدیریت تولید، تألیف، چاپ پنجم، آستان قدس رضوی، مهندس

میر شفیعی

- تصمیم گیری و تعیین خط مشی دولتی، تألیف، چاپ سوم، سمت

- مباحث ویژه مدیریت دولتی، تألیف، چاپ اول، پیام نور، به اتفاق دکتر

زاهدی

- نظام‌های اداری تطبیقی، تألیف، پیام نور
- خویشن‌شناسی مدیران، ترجمه و اقتباس، چاپ اول، نشر نی
- اصول و مبانی جهانگردی، تألیف، چاپ اول، بنیاد مستضعفان، به اتفاق

زهره دهدشتی

- گفتار هراسی، ترجمه و اقتباس، چاپ اول، نشر نی، به اتفاق هاشمی
- رفتار سازمانی، ترجمه، چاپ اول 1374، نشر مروارید، به اتفاق دکتر

معمارزاده

- هفت گام به سوی کامیابی، ترجمه، چاپ اول 1376، نشر نی، به اتفاق

اشرفی پیروز بخت

- تئوری سازمان، ترجمه، چاپ سوم 1376، نشر صفار، به‌مراه دانایی

فرد

- مدیریت دولتی نوین، ترجمه، چاپ اول 1376، نشر مروارید، به اتفاق

دکتر خلیلی، دکتر معمارزاده

- مسئولیت اجتماعی مدیران، تألیف، سال اول 1377، مرکز آموزش

مدیریت دولتی، به اتفاق قاسمی

- آینده کار، جیمز رابرتسون، ترجمه، اول 1378، نشر نی، به اتفاق

دانایی فرد

- مدیریت تحول در سازمان، نگارش و ترجمه، اول 1379، نشر صفار، به

اتفاق دانایی فرد

- تئوری‌های سازمان دولتی، ترجمه، چاپ 1380، نشر صفار، به اتفاق

دانایی فرد

- مدیریت تعارض

- گفتارهایی در فلسفه تئوری‌های سازمان دولتی

- تئوری نظم در بی‌نظمی

- فرهنگ جامع مدیریت

- فرایند خط مشی گذاری عمومی

- آیین تندخوانی

- هفت راز زنان موفق

- مدیریت تطبیقی

- اداره امور دولتی تطبیقی

- قدرت انتقاد سازنده

- مدیریت و سرمایه اجتماعی
- سنجش کیفیت خدمات در بخش عمومی
- آموزه‌هایی برای استقرار مدیریت کیفی

دکتر غلامعلی بسکی

وی که **پدر محیط زیست ایران** لقب گرفته پس از به پایان رساندن تحصیلات دبیرستان اسرار حاج ملا هادی سبزواری، در رشته طب از دانشگاه علوم پزشکی تهران فارغ التحصیل و در سال ۱۳۴۵ با درجه تخصص جراحی زنان از دانشگاه تهران فارغ التحصیل و بیمارستان و زایشگاه دکتر بسکی در شهرستان گنبد کاووس را در سال ۱۳۴۵ بنا نهاد.

از سال ۱۳۴۹ گوشه گیری در جنگل گلستان را با سکونت دور از جوامع شهری شروع نمود که هر روز ۶۰ کیلومتر به بیمارستان می آمد. طی سالها اقامت طولانی به مدت ۳۶ سال، کوهپیمایی های زیاد در لابلای جنگل ها و دره های پر درخت و پر از چشمه سارها، خلق و خوی طبیعت دوستی را دریافت و چند مرض مزمن نامبرده از قبیل آب مروارید چشم

و برونشیت چرکی و دیسک کمر و حساسیتهای بدنی، پوستی و.....
معالجه گردید

او خام گیاهخوار است و آب چشمه می نوشد و ۴۰ سال از صابون
استفاده نکرده است و هر روز دوش آب سرد می گیرد. او این موهبت
را با وقف تمام اموال خود به شرح ذیل نموده است

در مشهد ۵ ساختمان و ۱۰۰۰ متر وسعت در خیابان آزادی -

در جنگل گلستان ۱/۵ هکتار باغ پر درخت و کتابخانه و ساختمانها -
برای عبور زائران حضرت رضا

مزرعه وقفی ۲۳ هکتار با گلخانه آن (۱/۵ هکتار) و ۲۰ هکتار کشت -
زیتون و دامداری شیری ۱۵۰ رأسی و توتستان کرم ابریشم و انگور
کاری ۱ کیلومتر طول

بیمارستان و زایشگاه دکتر بسکی -

مدر سه تیز هوشان استان گلستان و خانه ریاضی استان گلستان و -

(سرای گاندی) تیز هوشان فقیر در روستاها

آپارتمان در دریا کنار مازندران ۶ -

سه طبقه آپارتمان در تهران -

تومبیل پژوی ۴۰۵ وقف محیط زیست و درختکاری گردید.

میرزا حسن رشدیہ

وی که به پدر تعلیم و تربیت نوین در ایران ملقب است پس از رسیدن به سن رشد به مکتب خانه رفت. صرف و نحو، فقه، احکام، عربی و ادبیات را آموخت. بیشتر مکتبداران از آنچه درس می‌دادند خود اطلاع چندانی نداشتند لذا بیشتر این علوم را نزد پدرش آموخت. آن گاه تصمیم گرفت برای ادامه آموزش به نجف برود اما به دلیل علاقه او به تعلیم و تربیت از این کار منصرف شد و به بیروت رفت و در سال ۱۲۵۹ شمسی در دارالمعلمین آن شهر به فراگرفتن شیوه‌های نوآموزش پرداخت.

در سال ۱۲۶۱ شمسی با هدف بنیان نهادن مدرسه به شیوه نو، بیروت را ترک کرد و به سرزمین عثمانی و سپس به ایروان رفت و در سال ۱۲۶۲ شمسی نخستین مدرسه به سبک نو را برای کودکان قفقاز بنیاد نهاد و با شیوه الفبای صوتی خود آغاز به آموزش کرد.

زبان وطن) را به ترکی چاپ کرد و توانست با روش نو (کتاب وطن دیلی خود، در مدت کوتاهی به نوآموزان خواندن و نوشتن بیاموزد. کتاب وطن دیلی او تا سال ۱۲۹۷ شمسی در همه مدرسه‌های قفقاز کتاب اول

ابتدایی بوده است.

ناصرالدین شاه در بازگشت از سفر خود به اروپا، از مدرسه رشدیه در
ایروان دیدار کرد و از او خواست برای بنیانگذاری مدرسه‌هایی به شیوه
نو به ایران برود.

رشدیه در فاصله بین سال‌های ۱۲۶۶ تا ۱۲۶۷ شمسی نخستین مدرسه
همگانی عمومی را در محله ششگلان تبریز باز کرد. او مدارس متعددی در
شهرهای ایران تاسیس نمود.

میرزا حسن رشدیه چندین کتاب را هم به رشته تحریر در آورد. از
جمله کتابهای او وطن دیلی است که به زبان ترکی بود و تا سال ۱۲۹۷
شمسی در تمام مدارس قفقاز به نام کتاب اول تدریس می‌شد
صد درس، کلمات قصار برای کلاس دوم، تاریخ شفاهی، شرعیات
ابتدایی، جغرافیای شفاهی، کفایت‌التعلیم، نهایت‌التعلیم، اخلاق و اصول
عقاید و... از جمله کتابهای اوست.

تعداد کتاب‌های او را بیست و هفت جلد برشمرده اند.

میرزا حسن رشدیه در ۹۷ سالگی در قم درگذشت و روی دوش
شاگردان مدرسه‌های قم در قبرستان نو به خاک سپرده شد.

استاد عبدالکریم قریب گرکانی

ایران وی که به **پدر علم زمین شناسی** ملقب است

بعد از اتمام دورهٔ لیسانس، مطالعاتش را در زمین‌شناسی ادامه داد. دکتر قریب در سال ۱۳۱۷ در رشته علوم طبیعی فارغ التحصیل شد. او در مدت تحصیل در دانشگاه از راهنمایی اساتید عالیقدری برخوردار بود و پروفیسور احمد پارسا نیز استاد گیاه‌شناسی وی در مدت تحصیل بود. در سال ۱۳۴۹ تا ۱۳۵۵ مدرسه عالی علوم اراک را تأسیس کرد و تا سال ۱۳۵۴ مسئولیت آنجا را به عهده داشت. استاد دکتر عبدالکریم قریب رئیس کمیته کارشناسی ایران نیز بوده‌است. دانشگاه تربیت معلم در سال ۱۳۷۱ برای ارج نهادن به تلاشهای علمی استاد سمیناری تشکیل داد. سازمان انرژی اتمی نیز در سال ۱۳۷۲ بخشی از کتابخانه این استاد قریب تا همین اواخر علی. سازمان را به نام ایشان نامگذاری کرد رغم کهولت و ضعف دوران پیری همچنان به فعالیت، تحقیق، تدریس و مطالعه مشغول بوده‌است

تالیفات

بلورشناسی، چاپخانه علمی، ۱۳۲۹ -

- کانی شناسی، درباره کانیهای جزیره هرمز، دانشگاه تهران، ۱۳۳۶ -
- اصول علم کانیها، چاپخانه علمی، ۱۳۳۸ -
- شناختن کانیها به وسیله معرفهای شیمیایی، دانشگاه تربیت معلم، ۱۳۴۴ -
- چگونه کانیها را می توان شناخت، دانشگاه تربیت معلم، ۱۳۴۴ -
- مقالاتی چند درباره زمین، دانشگاه تربیت معلم، ۱۳۴۵ -
- سنگ شناسی، دانشگاه تربیت معلم، ۱۳۴۶ -
- یک دوره ۱۷ جلدی کتابهای طبیعی برای دبیرستانها، ۱۳۴۴-۱۳۴۶ -
- گرکان، نشر آفتاب، ۱۳۶۳ -
- زمین در فضا، نشر آفتاب، ۱۳۶۳ -
- مبارزه با عوارض پیری، چاپخانه رامین، ۱۳۷۱ -
- فرهنگ زمین شناسی، انتشارات انزلی، ۱۳۶۶ -
- جلد اول شناخت سنگها با نگاهی ویژه به سنگهای ایران، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۲ -

- جلد دوم شناخت سنگها با نگاهی ویژه به سنگهای ایران، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- واژه‌های زمین شناسی، دانشگاه تربیت معلم، ۱۳۷۷ -
- تولید خاک از نظر کشاورزی (ترجمه)، چاپخانه علمی، ۱۳۲۸ -
- زلزله و آتشفشان (ترجمه)، چاپخانه علمی، ۱۳۲۹ -
- بلور (ترجمه)، دانشگاه تربیت معلم، ۱۳۴۵ -
- مبانی زمین‌شناسی (ترجمه)، انتشارات خوارزمی، چاپ اول و دوم، ۱۳۴۸ و ۱۳۵۸ -
- رازهای درون زمین (ترجمه)، انتشارات نیل، ۱۳۴۹ -
- پدیده‌های شگفت انگیز در آسمان و زمین (ترجمه)، انتشارات آفتاب، ۱۳۶۰ -
- انسان در نبرد با طبیعت (ترجمه و تألیف)، نشر آفتاب، ۱۳۶۱ -
- درس برای تقویت حافظه (ترجمه و تألیف)، نشر آفتاب، ۱۳۶۱ ۵۷ -
- اسرار سه اقیانوس (ترجمه)، نشر آفتاب، ۱۳۶۲ -

غارشناسی (ترجمه)، نشر کوهستان، ۱۳۷۱ -

غارها و موارد استفاده از آنها، ۱۳۷۷ -

ناصر ملک‌نیا

وی که **پدر علم بیوشیمی ایران** لقب گرفته در سال 1351 کار خود را در دانشکده‌ی پزشکی دانشگاه تهران (اکنون، دانشگاه علوم پزشکی تهران) به عنوان دانشیار گروه بیوشیمی آغاز کرد. او با همراهی استادان گروه بیوشیمی توانست دوره‌های کارشناسی ارشد بیوشیمی را راه‌اندازی کند، اما روی داد مهم انقلاب اسلامی و تعطیلی موقت دانشگاه‌ها مانع پی‌گیری روند راه‌اندازی دوره‌ی دکترای بیوشیمی شد. چندی نگذشت که او پیش از بسیاری از استادان دیگر و در یک حرکت خودجوش، کلاس درس خود را در دانشگاه بازگشایی کرد و با همکاری استادان گروه بیوشیمی توانست مدیران وقت را برای راه‌اندازی دوره‌ی دکترای بیوشیمی مجاب کند. به این ترتیب، او توانست در کنار آموزش شیوای بیوشیمی به دانشجویان دانشکده‌ی پزشکی، راه را برای پرورش صدها متخصص بیوشیمی هموار سازد.

پژوهش‌های ملک‌نیا

پژوهش‌های بیوشیمی دکتر ناصر ملک‌نیا با کاری درباره‌ی کمبود آنزیم گلوکز 6 فسفات دهیدروژناز (G6PD) آغاز شد. در آن زمان کار روی این آنزیم و بیماری حاصل از کمبود آن (فاویسم) تازه آغاز شده بود. پژوهشگران نشان داده بودند که برخی از افراد دچار کمبود یا نارسایی در کارکرد این آنزیم هستند و با مصرف مواد اکسیدانی چون باقلا، گلبول‌های آن‌ها همولیز (از هم پاشیده) می‌شود. ملک‌نیا در پژوهش خود دریافت در افرادی که فعالیت آنزیم کاتالاز در آن‌ها بالاست، حتی با وجود کمبود آنزیم G6PD، نشانه‌های بیماری فاویسم وجود ندارد. یعنی کاتالاز می‌تواند نقص سامانه‌ی گلوتاتیون و گلوتاتیون پراکسیداز را جبران کند.

بیشتر پژوهش‌هایی که دکتر ملک‌نیا در مرکز پژوهش‌های ملی فرانسه انجام داد، درباره‌ی ساختمان هموگلوبین و عوامل درگیر در فرآیند پروتیین‌سازی، به‌ویژه ساخت هموگلوبین، بوده است. برخی از مهم‌ترین کارهای پژوهشی استاد ملک‌نیا به شرح زیر است:

1. جداسازی اسیدهای آمینه با ستون کروماتوگرافی

در آن زمان اسیدهای آمینه را با حلال‌های مختلف با روش کروماتوگرافی از هم جدا می‌کردند. ملک‌نیا برای نخستین بار از حلال‌های فرار بهره گرفت. با این کار توانست اسیدهای آمینه را به خوبی از هم جدا کند و سپس با تبخیر محیط فرار، خود اسیدآمینه‌ها به صورت خالص برجای می‌ماند. همچنین، با رادیواکتیو کردن برخی اسیدآمینه‌ها توانست بررسی‌ها مقدراری روی اسیدآمینه‌ها انجام داد.

2. جداسازی پپتیدهای طبیعی و غیرطبیعی با ستون کروماتوگرافی

ملک‌نیا روش نوآورانه‌ی خود را در جداسازی اسیدآمینه‌ها، برای جداسازی پپتیدهای نیز به کار برد.

3. جداسازی و مطالعه روی هموگلوبین‌های طبیعی و غیرطبیعی

ملک‌نیا برای نخستین بار از دو ستون کروماتوگرافی بهره گرفت و روی یکی، هموگلوبین طبیعی و روی دیگری، هموگلوبین غیرطبیعی می‌گذاشت. سپس، با کمک بافرهای کروماتوگرافی توانست پپتیدهای هر کدام را در ستون جابه‌جا کند و حرکت آن‌ها را روی نمودار نشان دهد. به این ترتیب، پپتیدها یکی یکی از ستون‌ها بیرون می‌آمدند و همزمان ثبت می‌شد و با مقایسه‌ی داده‌های به دست آمده از دو ستون می‌توانستند ببینند اشکال هموگلوبین غیرطبیعی در کدام پپتید است. این

روش کارها را خیلی آسان کرد و در آزمایشگاه‌ها دیگر نیز به کار گرفته شد.

3. بررسی اثرات تنظیمی پپتید گلوبین بر ساخت هموگلوبین

در آن سال‌ها پرسش اصلی درباره‌ی چگونگی ساخته شدن هموگلوبین این بود که وقتی زنجیره‌های آلفا و بتای هموگلوبین در ریبوزوم‌ها ساخته شدند، چگونه با هم ترکیب می‌شوند و اگر تغییری روی زنجیره‌ی آلفا رخ دهد، روی ارتباط آن با زنجیره‌ی بتا چه اثری می‌گذارد. ملک‌نیا در این پژوهش علاوه بر کروماتوگرافی از الکتروفورز نیز بهره گرفت و چند مقاله در این باره منتشر کرد.

4. ناهمگونی زنجیره‌های بتای هموگلوبین

5. تنظیم ژنتیکی ساخت هموگلوبین

6. جداسازی ریبوزوم‌ها از بافت کبد

7. ترجمه‌ی مولکول آر. ان. ای. در لوله‌ی آزمایش

ملک‌نیا و همکارانش زیر نظر پروفیسور شاپیرا نشان دادند که پس از جداسازی ریبوزوم‌ها از گویچه‌های قرمز خرگوش، در مایع رویی لوله‌ی

به صورت mRNA مولکول‌های اطلاعاتی (supernatant) آزمایش آن‌ها توانستند آن مولکول‌ها را با ریبوزوم‌هایی از آزاد وجود دارد کوچک‌های هندی به پروتیین ترجمه کنند و شیوه‌ی ترجمه‌ی مولکول را در لوله‌ی آزمایش بنیان نهادند. گزارش این پژوهش، که mRNA ملک‌نیا آن را بهترین کار علمی خود می‌دانست، در سال 1966 میلادی (J. Mol. Biol. 20, 427-446) در مجله‌ی زیست‌شناسی مولکولی چاپ شده است.

ناصر گیتی

تاسیس انجمن فیزیولوژی و فارماکولوژی ایران، تاسیس اتحادیه انجمن های علمی ایران، تاسیس موسسه طب تجربی و فارماکولوژی، پایه گذاری طب تجربی (نظری و عملی)، نوآوری در فیزیولوژی نظری و پایه گذاری فیزیولوژی بالینی برخی از فعالیت ها و دستاوردهای او هستند. وابسته به موسسه بین (men of achievment نام این استاد در مجله المللی بیوگرافی کمبریج) که مجموعه ای است با نام **هزار دانشمند اول جهان** در سال ۱۹۷۷ به چاپ رسیده است.

این موسسه در سال ۲۰۰۰ نیز نام استاد را در میان ۲ هزار دانشمند قرن ۲۱ منتشر کرد

حکیم منصور الحسن بن نوح القُمدی

وی که پدر طب تغذیه لقب گرفته در کتاب پر بار خویش به نام "الغنی" و اشاره کرده Ghnorrhrea المنی" برای اولین بار به علت و آثار سوزاک تا قبل از اکتشاف پنی سیلین این بیماری معضلی بود که یافتن راه است. کار آن بسیار سخت می نمود و حتی متمایز کردن آن به عنوان یک بیماری جدا از سیفیلیس و تشریح آن به سادگی ممکن نبود. (1) برای نخستین بار، این امر را ابومنصور به خوبی انجام داد. کتاب خانه کنگره آمریکا صفحاتی چند را به شرح حال این پزشک عالی قدر پرداخته است الغنی و المنی" در زمره دایره "و جالب این که آثار وی را به ویژه کتاب المعارف های پزشکی کلاسیک اسلامی می داند حائز ذکر است که کمتر ابو منصور به قولی (کتابی توانسته این عنوان را به خود اختصاص دهد. (2) استاد ابن سینا بوده است. این امر توسط بسیاری از منابع تأیید شده است ولی اشاره ای در کتب ابن سینا به وضوح به این مسئله نشده است. به مانند بقیه پزشکان ایرانی به دلیل نگارش آثارش به عربی هم اکنون در جهان بیشتر به عنوان پزشکی عربی شناخته شده می شود. هر چند

برخی از منابع بی طرف اشاره ای به ایرانی بودن وی می نمایند. ذکر این نکته از این لحاظ مهم است که در دوران معاصر هم تمام پزشکان ایرانی خارج از کشور به هر حال، بعدها در آن نظام آموزشی و فرهنگی طبقه بندی خواهند شد.

شارحان آثار ابو منصور القمري به عدد انگشتان دست هم نمی رسند. بود که در سال 1970 Manfred Ulmann نخستین بار، مانفرد اولمان در کتاب تاریخ طب به تشریح آرای ابو منصور پرداخته و به ویژه به کتاب الغنی و المغنی اشاره کافی کرده است. این کتاب بعدها در سال (1997 توسط دانشگاه ادینبورگ چاپ شد. 3)

نیز در آلمان در Fuat Sezgin دیگر دانشمند ترک، فوئات سزگین (زمینه داروسازی و علم الادویه از ابو منصور یاد می کند. (5و4

Ckeith و کیث مک لاکلان Richard Tapper پرفسور ریچارد تیپر ، در کتاب "فن آوری، سنت بقایای فرهنگ خاورمیانه و McLachlan آسیای مرکزی" با اشاره به کتاب الغنی و المغنی این کتاب را بعد از قانون شاخص ترین اثر قرن دهم می نامند. جالب این که آن را نمونه ای از آثاری می داند که به طور جامع با آگاهی قبلی جمع آوری شده است. ولی معتقد است تأثیر طب و سنن شرقی بر این کتاب به مراتب بیشتر از

قانون می باشد و قانون بیشتر ادامه دهنده سنت یونانی است تا الغنی و پرفسور تیپر به کتاب دیگری از ابو منصور اشاره می کند که در .المنی کمتر آثار غربی دیده شده است. هر چند این کتاب اتفاقاً در شرق " مشهورتر می باشد. وی می گوید: " کتاب التنویر فی الاصلاحات الطبیّه نخستین فرهنگ لغات (Al-Tanwir fil-Istalahatal-Tibbiya) پزشکی است که در تاریخ نگاشته شده است و با لفظ فرهنگ لغت جیبی (از آن یاد می شود).6)

کتاب دیگری به نام " علت العلل " منسوب به ابو منصور است که مفقود شده و هم اکنون نسخه ای از آن در دست نیست. دکتر ریچارد تیپر با بررسی نسخه های خطی سند 43 بخشی خطی را یافته است که کامل ترین و دقیق ترین نسخه موجود از کتاب الغنی و المنی می باشد. در این به خوبی تشریح شده (Signs) و نشانه ها (Symptom) نسخه علایم است و از این لحاظ این استدلال که قطعاً ابو منصور استاد ابن سینا بوده حداقل از نظر مطالعه کتاب ارزشمند وی تردیدی به جا نمی گذارد. این کتاب که هیچ گاه ویراسته به طور کامل چاپ نشده است به معنای تمام است. کناش در لغت به معنی تلخیص و اختصار (Kunnash) یک کناش است و شاید به معنای اصول باشد. پاره ای ریشه آن را از کنشاء می دانند که به معنای جعد است و به مجموعه مطالبی گفته می شود که در

کنار هم به صورت گردآوری و نامرتب آورده شده است ولی به نظر نگارنده این نام برای نوعی دایره المعارف استفاده می شود که شامل جمیع موارد یک شاخه علمی باشد. مثال گُنَّاش رازی، گُنَّاش ابومنصور و ... (6) و دهخدا

دکتر تیپر می گوید تمام نویسندگان در باب کشف بزرگ ابومنصور بسیار سخن گفته اند و مسئله سوزاک تقریباً برای همه شناخته شده است. ولی طبق بررسی های من دقت نظر ابومنصور به مسئله آلودگی های غذایی از مسائلی است که کمتر به آن توجه شده است. به همین دلیل مقاله میراث پزشکی در باب غذا و نوشیدنی ها تقریباً به طور کامل به ابو منصور اشاره دارد. ابومنصور با دقت وافری از نوک انگشتان پا تا سر را مورد مطالعه قرار داده و مسائل تغذیه ای را به دقت بیان کرده است و جالب این که اولین بار به صورت دقیق به مسائل تغذیه ای مرتبط و غذاها اشاره می نماید. هر چند تا روزگار وی بسیار بودند پزشکانی که به مقوله تغذیه و گیاهان دارویی پرداخته اند ولی ایشان به نوعی پدر می باشند، علمی که به تأثیر غذاها بر سلامتی بر () علم تغذیه پزشکی اساس سنت بومی رایج بلکه به عنوان واحدی مستقل می پردازد. در طی این تحقیقات است که او از تجویزهای خاص غذایی استفاده می کند و این بخش برای اولین بار در مقایسه با سایر پزشکان بیشترین سهم از

جایگاه (درمان را در تجویز پزشکی به خود اختصاص داده است).6)
تغذیه و در کتاب الغنیّ و المنیّ که اسم با مسمایی هم در این رابطه به
کتاب انتخاب شده است، کاملاً واضح است

این اولین بار در تاریخ است که وظیفه یک پزشک توجه کافی بودن
تغذیه بیمار می باشد. ارتباط مسائل تغذیه ای با بیماری هایی که در آن
از نظر ابومنصور دور نمانده (Cholera) دوران شایع بودند مانند وبا
است. ابومنصور می گوید که وبا نمی تواند در اثر خوردن رژیم غذایی
خاص ایجاد شود بلکه می تواند در اثر خوردن میوه های تازه بعد از غذا
بسیار قابل توجه Water Melon ایجاد شود و از میان میوه ها هندوانه
است. این موضوع نشان می دهد وی به رابطه آب آلوده با محیط رشد
صیفی جات و میوه ها آگاهی داشته است. در یکی از نسخه ها ابومنصور
به درمان های سرگجیجه اشاره می کند و در اکثر موارد به درستی
تقویت تغذیه ای می داند و معتقد است که حتماً در موارد بیماری های
صعب العلاجی مانند مننژیت نقش رساندن مایعات به بدن از اهمیت
فراوانی برخوردار است

وفات او در سال 990 میلادی بوده است.

ابوالحسن شیخ

وی که به **پدر علم شیمی نوین** ملقب است پدرش مرحوم دکتر محمد شیخ معروف به احیاء الملک از نوادگان علامه بزرگوار، شیخ حرّ عاملی صاحب کتاب گرانسنگ وسایل الشیعه (متوفی 1104 ق) بود. دکتر ابوالحسن شیخ تالیفات و تحقیقات مفید و مؤثری دارد، که می توان به کتاب «تئوریهای شیمی آلی» و همچنین دو جلد کتاب «عملیات شیمی آلی» اشاره کرد.

وی تحقیقات خود را بیشتر در زمینه مواد ضد عفونی کننده و تهیه ماده ای برای جلوگیری از کپک زدن و فاسد شدن لبنیات و شیرینی جات و انواع خمیرها متمرکز نمود.

دکتر شیخ ابوالحسن در مورد اهمیت علمی شیمی چنین می گوید:
شیمی همه چیز انسان است، انسان از روزی که متولد می شود، تا «
«روزی که از دنیا می رود، با شیمی سروکار دارد».

وی اولین دانشجوی ایرانی بود که به دریافت درجه دکترای شیمی نایل

گردید. دکتر شیخ درباره ی برنامه ی روزانه ی خود در سن 88 سالگی چنین می گوید: « من از ساعت پنج بعد از نیمه شب بیدار می شدم ، نماز صبح را می خوانم و بعد تا ساعت هشت به استراحت می پردازم ، آن گاه صبحانه می خورم و مشغول مطالعه می شوم ، و سفارش من به نوجوانان این است : که همه کارهای دیگر را کنار بگذارند، روحیه قناعت پیشه گیرند و دنبال علم و دانش بروند». دکتر شیخ با شیخ رجبعلی خیاط نیز ارتباط داشت. سرانجام این دانشمند گرانمایه در ساعات آغازین سال 1377 ش در نود سالگی چشم از جهان فروبست.

محمد بلوچ

وی که پدر علم جانور شناسی ایران لقب گرفته خود می گوید: من از کودکی عاشق حیوانات بودم و همین امر باعث شد در دانشگاه رشته بیولوژی را انتخاب کنم و در مقطع لیسانس از دانشگاه تهران فارغ التحصیل شوم و بعد از آن تحقیقی در رابطه با کویر کردم که بسیار مورد توجه قرار گرفت و یونسکو به من بورسیه داد تا برای ادامه تحصیل به فرانسه بروم. بعد از اتمام تحصیلات به ایران بازگشتم و در دانشگاه تهران مشغول به کار شدم و تا به امروز یعنی قریب به 50 سال است که در دانشگاههای مختلف مشغول به تدریس هستم

دانشمندان ایرانی که در سال های اخیر ترور و به شهادت رسیدند



شهید مجید شهرباری
تاریخ ترور: ۱۳۸۹/۰۱/۰۸
فیزیکدان و دانشمند هسته ای
عامل ترور: موساد و سیا



شهید مصطفی احمدی روشن
تاریخ ترور: ۱۳۹۰/۱۰/۲۱
مدیر بخش بازرگانی تاسیسات
هسته ای نطنز
عامل ترور: موساد



شهید مسعود علیمرادی
تاریخ ترور: ۱۳۸۸/۱۰/۲۲
فیزیکدان و استاد دانشگاه
عامل ترور: موساد



شهید داریوش رضایی نژاد
تاریخ ترور: ۱۳۹۰/۰۵/۰۱
دانشجوی دکتری مهندسی برق
عامل ترور: موساد



فریدون عباسی
تاریخ ترور: ۱۳۸۹/۰۹/۰۸
رئیس پیشین سازمان انرژی
اتمی ایران
عامل ترور: موساد و سیا



شهید محسن فخری زاده
تاریخ ترور: ۱۳۹۹/۰۹/۰۷
استاد فیزیک هسته ای دانشگاه امام حسین
دریاست سازمان پژوهش و نوآوری وزارت دفاع
جزء پنج ایرانی لیست 500 نفره قدرتمندترین
افراد جهان نشریه فارن پالیسی



شهید رضا قشقایی
تاریخ ترور: ۱۳۹۰/۱۰/۲۱
دانشمند هسته ای
عامل ترور: موساد و سیا

احادیثی در فضیلت علم

از رسول خدا(ص) مروی است که فرمودند: «یا اباذر ساعتی نشستن در مجلسی که در آن گفتگوی علمی باشد بهتر است در نزد خدا، و محبوب تر است از بیداری هزارشب، که در هر شبی هزار رکعت نماز خوانده شود، و محبوب تر است از هزار جهاد در راه خدا، و از دوازده هزار مرتبه ختم قرآن، و عبادت یک سال که روزهای آن را روزه بگیرند و شبهای آن را احیاء بدارند. و هر که از خانه خود بیرون رود به قصد اخذمساله ای از مسائل علمیه به هر قدمی که برمی دارد خداوند عالم می نویسد از برای او ثواب پیغمبری از پیغمبران، و ثواب هزار شهید از شهدای جنگ بدر، و به هر حرفی که از عالم بشنود یا بنویسد شهری در بهشت به او عطا می فرماید، و طالب علم را خدادوست می دارد، و ملائکه و پیغمبران او را دوست دارند، و دوست ندارد علم را مگراهل سعادت

پس فرمودند: «خوشا به حال طالبان علم، و نظر کردن به روی عالم بهتر است از آزاد کردن هزار بنده و هر که دوست دارد علم را بهشت از برای او واجب است و داخل صبح و شام می شود با خوشنودی خدا و عالم از دنیا نمی رود مگر اینکه از شراب کوثر بنوشد و از میوه بهشت بخورد و در قبر کرم بدن او را نمی

خورد و در بهشت رفیق خضر - علیه السلام - خواهد بود» (جامع الاخبار

شعیری، ص 37

و از حضرت رسول - صلی الله علیه و آله و سلم - مروی است که فرموده اند
که:

علماء ورثه انبیاء هستند».¹

و در حدیث دیگر است که فرمودند: «خداوند! رحمت کن خلفای مرا. بعضی
عرض کردند: یا رسول الله کیستند خلفای تو؟ فرمودند: کسانی که بعد از من
بیایند واحادیث و آداب مرا روایت کنند و به مردم برسانند.²

امام علی علیه السلام می فرماید: **«زَكَاةُ الْعِلْمِ بَدَلُهُ لِمُسْتَحِقِّهِ وَإِجْهَادُ النَّفْسِ فِي
الْعَمَلِ بِهِ؛** زکات دانش، آموزش به کسانی است که شایسته آن اند و کوشش در
(عمل به آن است) (غررالحکم و درر الکلم، ص ۳۹۱

(کنز العمال، ج 10، ص 135، خ 28679) (و کافی، ج 1، ص 32، ح 2¹

« . . بحار الانوار، ج 2، ص 144، ح 420²

امام علی علیه السلام می فرمایند: «**جَالِسِ الْعُلَمَاءَ يَزِدُّ عِلْمَكَ وَيَحْسُنُ أَدَبَكَ وَ تَزَكُّ نَفْسُكَ؛** با علما معاشرت کن تا علمت زیاد، ادبت نیکو و جانت پاک شود» ((غررالحکم و دررالکلم، ص ۳۴۱).

امام علی علیه السلام می فرمایند: «**مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ إِمَامًا فَلْيَبْدَأْ بِتَعْلِيمِ نَفْسِهِ قَبْلَ تَعْلِيمِ غَيْرِهِ وَ لِيَكُنْ تَأْدِيبُهُ بِسِيرَتِهِ قَبْلَ تَأْدِيبِهِ بِلِسَانِهِ وَ مُعَلِّمُ نَفْسِهِ وَ مُؤَدِّبُهَا أَحَقُّ بِالْإِجْلَالِ مِنْ مُعَلِّمِ النَّاسِ وَ مُؤَدِّبِهِمْ؛** کسی که خود را پیشوای مردم قرار داده، باید پیش از آموزش دیگران، خود را آموزش دهد و پیش از آن که دیگران را با زبان، ادب بیاموزد، با کردارش ادب آموزد و البته آموزش دهنده و ادب آموز خود بیش (از آموزگار و ادب آموز مردم، شایسته تجلیل است» (مشیرالاحزان، ص ۵۰).

کدام علم ارزش دارد؟

امام علی علیه السلام: «**يَا مُؤْمِنُ إِنَّ هَذَا الْعِلْمَ وَالْأَدَبَ تَمَنُّ نَفْسِكَ فَاجْتَهِدْ فِي تَعْلُمِهَا فَمَا يَزِيدُ مِنْ عِلْمِكَ وَ أَدَبِكَ يَزِيدُ فِي تَمَنِكَ وَ قَدْرِكَ فَإِنَّ بِالْعِلْمِ تَهْتَدِي إِلَى رَبِّكَ وَ بِالْأَدَبِ تُحْسِنُ خِدْمَةَ رَبِّكَ...؛** ای مؤمن! این علم و ادب است که بهای وجودت است؛ پس تلاش کن که این بها را به دست بیاوری و یاد بگیری؛ زیرا هر چه دانش و ادب تو بیشتر شود قدر و بهای وجودی تو افزایش پیدا

می‌کند. با علم به سوی پرودگارت هدایت می‌شوی و با ادب می‌توانی را بطور
(پسندیده به خدایت خدمت نمایی (روضه الواعظین، ج ۱، ص ۱۱)

حضرت امیر المؤمنین علیه‌السلام در روایت دیگری فرمودند: **«لَا يَعْرِفُ الرَّجُلُ إِلَّا
بِعِلْمِهِ كَمَا لَا يَعْرِفُ الْغَرِيبُ مِنَ الشَّجَرِ إِلَّا عِنْدَ حُضُورِ الثَّمَرِ فَتَدُلُّ الْأَثْمَارُ عَلَى
أَصُولِهَا؛** انسان جز با علم و دانشش شناخته نمی‌شود؛ درست مانند درختی که
برای انسان ناشناخته است هنگام میوه دادن شناخته می‌شود و میوه‌ها نشان‌دهنده
نوع و کیفیت اصل خویش‌اند. (دانش انسان هم نشان می‌دهد که انسان چقدر
ارزش دارد.) یعنی میزان کاربرد علم انسان در زندگی فردی و اجتماعی، میزان
(ارزش عالم عالم به آن علم است (غررالحکم، ص ۴۲).

علم و ایمان

امام علی علیه‌السلام: **«أَصْلُ الْإِيمَانِ الْعِلْمُ؛** ریشه ایمان علم است. علم ریشه‌ای
دارد، ثمری دارد به نام ایمان (بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۸۱ و ج ۹۰، ص ۵۷). در
روایت دیگری تصریح به این امر می‌فرمایند: **«ثَمَرَةُ الْعِلْمِ مَعْرِفَةُ اللَّهِ»** [۳]؛ میوه علم،
شناخت خداست (غررالحکم، ص ۶۴). و در روایت دیگر است: **«لِلْعِلْمِ ثَلَاثُ
عَلَامَاتٍ الْمَعْرِفَةُ بِاللَّهِ وَبِمَا يَحِبُّ وَيَكْرَهُ»** (مجموعه ورام). (تنبيه
(الخواطر)، ج ۲، ص ۱۱۷).

کاربرد علم، در علم نافع

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام: «**الْإِيمَانُ وَالْعِلْمُ أَخَوَانِ تَوْأَمَانِ وَرَفِيقَانِ لَا يَفْتَرِقَانِ**؛ ایمان و علم دو برادر و دو رفیق همزاد و همراه هستند که هیچ وقت از هم جدا نمی‌شوند (غرر الحکم، ص ۴۶).

حضرت در حدیثی دیگر می‌فرماید: «**قِيمَةُ كُلِّ امْرِئٍ مَا يَعْلَمُهُ**؛ هر قدر دانش (انسان افزون‌تر، ارزش و جودی او بیشتر)» (غرر الحکم، ص ۴۲).

حضرت سید الساجدین - علیه السلام - فرمودند که: «اگر مردم بدانند آنچه را که در طلب علم هست، هر آینه به طلب علم خواهند رفت اگر چه باید خونهای ایشان ریخته شود و به دریاها فروروند».^۳

از حضرت امام محمد باقر - علیه السلام - مروی است که فرمودند: «عالمی که به علم خود عمل کند بهتر است از هفتاد هزار عابد».^۴

(22. کافی، ج 1، ص 35، ح 5³)

.بحار الانوار، ج 2، ص 19، ذیل ح 5024⁴

.)

علم بهتر است یا ثروت؟

امیرالمومنین علی (ع) در مواجهه با سوالی درباره برتری علم یا ثروت،

جواب‌های گوناگونی دادند.

در کتاب کشکول بحرانی اینگونه آمده است: به گزارش گروه رسانه های جمعیت زیادی دور حضرت علی (ع) حلقه زده بودند. مردی وارد مسجد شد و در فرصتی مناسب پرسید: «یا علی! سؤالی دارم، علم بهتر است یا ثروت؟»، علی (ع) در پاسخ گفت: «علم بهتر است؛ زیرا علم میراث انبیاست و مال و ثروت میراث قارون و فرعون و هامان و شداد.» مرد که پاسخ سؤال خود را گرفته بود، سکوت کرد.

در همین هنگام مرد دیگری وارد مسجد شد و همان طور که ایستاده بود بلافاصله پرسید: «اباالحسن! سؤالی دارم، می توانم بپرسم؟» امام در پاسخ آن مرد گفت: «پرس!»، مرد که آخر جمعیت ایستاده بود پرسید: «علم بهتر است یا ثروت؟»، علی فرمود: «علم بهتر است؛ زیرا علم تو را حفظ می کند، ولی مال و ثروت را تو مجبوری حفظ کنی.» نفر دوم که از پاسخ سؤالش قانع شده بود، همان جا که ایستاده بود نشست.

در همین حال، سومین نفر وارد شد، او نیز همان سؤال را تکرار کرد، و امام در پاسخش فرمود: «علم بهتر است؛ زیرا برای شخص عالم دوستان بسیاری است،

ولی برای ثروتمند دشمنان بسیار!» هنوز سخن امام به پایان نرسیده بود که چهارمین نفر وارد مسجد شد. او در حالی که کنار دوستانش می نشست، عصای خود را جلو گذاشت و پرسید: «یا علی! علم بهتر است یا ثروت؟» حضرت علی در پاسخ به آن مرد فرمودند: «علم بهتر است؛ زیرا اگر از مال انفاق کنی کم می شود؛ ولی اگر از علم انفاق کنی و آن را به دیگران بیاموزی بر آن افزوده می شود.»

نوبت پنجمین نفر بود. او که مدتی قبل وارد مسجد شده بود و کنار ستون مسجد منتظر ایستاده بود، با تمام شدن سخن امام همان سؤال را تکرار کرد. حضرت علی در پاسخ به او فرمودند: «علم بهتر است؛ زیرا مردم شخص پولدار و ثروتمند را بخیل می دانند، ولی از عالم و دانشمند به بزرگی و عظمت یاد می کنند.»

با ورود ششمین نفر سرها به عقب برگشت، مردم با تعجب او را نگاه کردند، یکی از میان جمعیت گفت: «حتماً این هم می خواهد بداند که علم بهتر است یا ثروت!»، کسانی که صدایش را شنیده بودند، پوزخندی زدند. مرد، آخر جمعیت کنار دوستانش نشست و با صدای بلندی شروع به سخن کرد: «یا علی! علم بهتر است یا ثروت؟»، امام نگاهی به جمعیت کرد و گفت: «علم بهتر است؛ زیرا ممکن است مال را دزد ببرد، اما ترس و وحشتی از دستبرد به علم وجود ندارد.»

مرد ساکت شد.

همه‌ای در میان مردم افتاد؛ چه خبر است امروز! چرا همه یک سؤال را می‌پرسند؟ نگاه متعجب مردم گاهی به حضرت علی و گاهی به تازه‌واردها دوخته می‌شد. در همین هنگام هفتمین نفر که کمی پیش از تمام شدن سخنان حضرت وارد مسجد شده بود و در میان جمعیت نشسته بود، پرسید: «یا اباالحسن! علم بهتر است یا ثروت؟» امام فرمودند: «علم بهتر است؛ زیرا مال به مرور زمان کهنه می‌شود، اما علم هرچه زمان بر آن بگذرد، پوسیده نخواهد شد»

در همین هنگام هشتمین نفر وارد شد و سؤال دوستانش را پرسید که امام در پاسخ فرمود: «علم بهتر است؛ برای اینکه مال و ثروت فقط هنگام مرگ با صاحبش می‌ماند، ولی علم، هم در این دنیا و هم پس از مرگ همراه انسان است.» سکوت، مجلس را فراگرفته بود، کسی چیزی نمی‌گفت. همه از پاسخ‌های امام شگفت‌زده شده بودند که، نهمین نفر هم وارد مسجد شد و در میان بهت و حیرت مردم پرسید: «یا علی! علم بهتر است یا ثروت؟»، امام در حالی که تبسمی بر لب داشت، فرمود: «علم بهتر است؛ زیرا مال و ثروت انسان را سنگدل می‌کند، اما علم موجب نورانی شدن قلب انسان می‌شود»

نگاه‌های متعجب و سرگردان مردم به در دوخته شده بود، انگار که انتظار دهمین نفر را می‌کشیدند. در همین حال مردی که دست کودکی در دستش بود، وارد مسجد شد. او در آخر مجلس نشست و مشتی خرما در دامن کودک ریخت و به روبه‌رو چشم دوخت. مردم که فکر نمی‌کردند دیگر کسی چیزی پرسد،

سرهایشان را برگرداندند، که در این هنگام مرد پرسید: «یا اباالحسن! علم بهتر است یا ثروت؟»، نگاه‌های متعجب مردم به عقب برگشت. با شنیدن صدای علی (ع) مردم به خود آمدند: «علم بهتر است؛ زیرا ثروتمندان تکبر دارند، تا آنجا که گاه ادعای خدایی می‌کنند، اما صاحبان علم همواره فروتن و متواضع‌اند.» فریاد هیاهو و شادی و تحسین مردم مجلس را پر کرده بود.

سؤال کنندگان، آرام و بی‌صدا از میان جمعیت برخاستند. هنگامی که آنان مسجد را ترک می‌کردند. صدای امام را شنیدند که می‌گفت: «اگر تمام مردم دنیا همین یک سؤال را از من می‌پرسیدند، به هر کدام پاسخ متفاوتی می‌دادم.»^۵

علما باعث خیرات و برکات هستند...

علمای شیعه که وارثان پیامبران هستند هر کجا باشند باعث برکات در آن منطقه و دیار میشوند.

دفع بلا با زکریا بن آدم از اصحاب خاص امام رضا علیه السلام

«زکریا بن آدم» از جمله شیفتگان امام رضا علیه السلام

است که گاهی تا صبح به خلوت با امام می پرداخت، از جمله در روایتی آمده است: عَنْ زَكَرِيَّا بْنِ آدَمَ قَالَ دَخَلْتُ عَلَى الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْ أَوَّلِ اللَّيْلِ فِي حَدِيثَانِ مَا مَاتَ أَبُو جَرِيرٍ رَحِمَهُ اللَّهُ فَسَأَلَنِي عَنْهُ وَتَرَخَّمَ عَلَيْهِ وَ لَمْ يَزَلْ يُحَدِّثُنِي وَ أَحَدُهُ حَتَّى طَلَعَ الْفَجْرُ ثُمَّ قَامَ وَ صَلَّى صَلَاةَ الْفَجْرِ (مفید، الاختصاص، ص 86)؛ زکریا بن آدم گفت: خدمت حضرت رضا علیه السلام از سر شب در حدیثان رسیدم ابو جویر رحمه الله نمرده بود از من راجع به او سؤال کرد و دعا برایش نمود پیوسته با هم صحبت می کردیم تا اذان صبح شد آنگاه از جای حرکت کرده نماز صبح را خواند.

زکریا در مقام علمی به مرحله ای می رسد که امام رضا علیه السلام مردم را در

مسائل دینی به وی ارجاع می دهد: علی بن مسیب نقل کرده است که به حضرت رضا عرض کردم فاصله بین من و شما خیلی زیاد است نمی توانم همیشه خدمتتان برسم از چه کسی مسائل و دستورات دین را فراگیرم/ فرمود

از زکریا بن آدم قمی که مورد اعتماد دین و دنیا است

ابن مسیب گفت پس از بازگشت خدمت زکریا بن آدم رسیدم و هر چه احتیاج داشتم از او می پرسیدم. (مفید، الاختصاص، ص 87)

زکریا را می توان جزء خواص مخصوص ائمه علیهم السلام دانست به طوری که امام جواد علیه السلام نیز در باره او چنین می فرماید: خدا او را از هنگام تولد و روز مرگ و روزی که مبعوث می شود پیامرزد در طول زندگی عارف بحق و پایدار بود و در این راه تحمل ناراحتیها نمود و وظیفه خویش را در راه خدا و پیغمبر انجام داد بدون اینکه کوتاهی و یا پیمان شکنی کند، خداوند پاداش نیت و (کوشش او را بدهد. (طوسی، الغیبه، ص 348)

مقام ایشان در نزد امام تا حدی بود که امام او را باعث دفع بلای اهل قم می دانست

از زبان خود زکریا بشنویم که می گوید:

به حضرت رضا علیه السلام عرض کردم مایلیم از میان فامیل و خویشاوندان خود در قم خارج شوم مردم نادان زیاد شده اند. فرمود: این کار را نکن بلا از اهل قم بواسطه تو دفع می شود همان طوری که از اهالی بغداد بواسطه حضرت موسی بن جعفر علیه السلام دفع می شود

عَنْ زَكَرِيَّا بْنِ آدَمَ قَالَ قُلْتُ لِلرُّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنِّي أُرِيدُ الْخُرُوجَ عَنْ أَهْلِ بَيْتِي فَقَدَّ كَثَرَ السُّفَهَاءُ فَقَالَ لَا تَفْعَلْ فَإِنَّ أَهْلَ قُمَّ يَدْفَعُ عَنْهُمْ بِكَ كَمَا يَدْفَعُ عَنْ أَهْلِ بَغْدَادَ (بَابِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ) مفيد، الاختصاص، ص 87

در حدیث نبوی است که اگر عالمی از، قبرستان رد بشود تا چهل روز عذاب از، ان قبرستان برداشته میشود...

مدیر کل اطلاعات گفت در شهری رئیس اداره بودم....

مدیر کل اطلاعات یکی از استانها به من گفت من در شهری رئیس اداره بودم. از همه بخش های این شهرستان امار های منفی مانند دعوا و دزدی و مشروب خواری و اینها می آمد ولی از یک بخشی هیچ امار منفی نداشتیم بطوری که باعث تعجب من شد و درباره علت اینکه این بخش هیچ امار منفی ندارد بررسی انجام دادم بعد متوجه شدم **زمان** طاغوت یک عالمی اینجا تبعید بوده و او مردم را متدین بار آورده است بطوری که در بین آنها دعوا و طلاق و دزدی و.. نیست!

نقش شیخ احمد قمی، به عنوان ایرانی تاریخ ساز در تایلند

کشور تایلند در جنوب شرق آسیا و منطقه هندو چین واقع شده است. مساحت این کشور 513.115 کیلو متر مربع می باشد. در مجموع مساحت این کشور حدوداً یک سوم ایران است. تایلند از شمال و شرق با کشور لائوس، از جنوب شرق با کشور کامبوج، از شمال غرب و غرب با کشور برمه، از جنوب با کشور مالزی و آب های اقیانوس هند همسایه است.

دوران کودکی شیخ احمد قمی

در سال 922 قمری در محله چهارمردان قم، در خانواده ای متدین کودکی متولد شد که نامش را احمد گذاشتند. احمد دوران خردسالی را تحت پرورش های اخلاقی و ایمانی پدرش سپری کرد. مراقبت های ویژه خانواده و تأثیرپذیری از فرهنگ قرآن و عترت، احمد را از همان سنین طفولیت مشتاق فضیلت و دیانت بار آورد. زحمات پدر و مادر سرانجام به ثمر نشست و وقتی احمد به سنین نوجوانی گام نهاد، تصمیم گرفت به تحصیل علوم دینی پردازد. وی در این راه، آن چنان موفقیتی کسب کرد که پس از مدت زمانی کوتاه، به مدارج علمی دست یافت. این توفیق علمی موجب گردید که در دوران جوانی به لقب «شیخ» مفتخر گردد و استادان و برخی دانشوران حوزه ای که در آن درس می خواند، مقام علمی و شایستگی های وی را در آموختن علوم دینی تکریم کنند.

هجرت با برکت

این پرورش یافته مکتب تشیع با کوله باری از علم و ایمان از شهر قم به قصد ترویج عقاید شیعی و همچنین تجارت بار سفر بست و در سال 1602 میلادی و در دوران زمامداری نارسوآن به وسیله یک کشتی بزرگ ایرانی و از طریق سواحل جنوب شرقی ایران وارد تایلند گردید.

گوهر شب افروز

شیخ احمد قمی قبل از این سفر سرنوشت ساز، خویشتن را به اصول اخلاقی مطابق با موازین و احکام شرع آراسته بود. منش و رفتار او به گونه ای بود که حتی افراد بودایی که به صورت افراطی از آیین خود دفاع می کردند، به مذهبی که شیخ احمد مبلغ آن بود، روی آوردند. وی هم عاشقانه خود را وقف جامعه مسلمانان تایلند کرد و به عنوان رهبر و راهنمای آنان احکام و فرایض دینی را تبیین کرد و در ترویج باورهای شیعه نهایت اهتمام را به خرج داد. او گرچه به عنوان تاجر وارد سیام شد، اما هدف اصلی اش ترویج و تبلیغ فرهنگ اسلامی او علی رغم اهمیت و موقعیت شهر قم به این مسافرت دست زد؛ در حالی که می توانست با استعداد خارق العاده و توانایی شگفت، نزد اساتید حوزه علمیه قم به کسب معارف افزون تری پردازد و به مقام های علمی برجسته ای برسد.

آری، گوهری شب افروز از اقیانوس حوزه علمیه قم بیرون آمد و در ظلماتی ترین عصرها (به لحاظ شرایط جهانی) چنان در راه نشر فرهنگ اهل بیت از خود صلابت و پایداری نشان داد و در مسیر حق کوشید که خداوند هم او را موفق

ساخت و راه های روشنی را به رویش گشود که ارمغان آن، وجود شیعیانی قابل توجه در تایلند می باشد.

صلابت و استقامت

شیخ احمد پس از یک دهه تلاش مستمر، توانست گروه چائوسن (چائومن) را تشکیل دهد تا به وی در امر تبلیغ دین اسلام در جنوب شرقی آسیا کمک کنند؛ با تلاش وی و دوستان وفادارش، جامعه مسلمانان به شهرت فرهنگی و سیاسی بالایی دست یابند و هر روز بر تعداد آنان افزوده شود.

در طول این ده سال، شهرت شیخ احمد چنان رو به افزایش رفت که ملاقات و همکاری با او در امور بازرگانی و فرهنگی، جزو آرزوهای بزرگ تاجران و مسافران و حتی نیروهای بومی به شمار می رفت.

طی سال های 1605 تا 1615 میلادی چائوسن سوراساکتی با تأثیرپذیری از افکار و اندیشه های شیخ احمد، نفوذ خویش را در دربار افزایش داد و در سال های 1609 و 1610 میلادی با کمک سونگ هام برای در دست گرفتن قدرت، یکی از متنفذترین شخصیت های کشور در آمد. حاکم جدید وزارت امور داخلی و مدیریت تجارت امور خارجی را به سونگ هام سپرد و او نیز مسئولیت مدیریت امور اقلیت های خارجی را به شیخ احمد تفویض کرد.

درایت و هوشیاری

شیخ احمد قمی، اولین شیخ الاسلام تایلند است که لیاقت خود را در امور فرهنگی و سیاسی نشان داد و موفق گردید به مقام «چائوفایاراج نایوک»، که به

معنی وزیر اعظم می باشد، دست یابد. همچنین عنوان چائوفرا شیخ احمد راتانادی بودی، یعنی رهبر جامعه مسلمانان تایلند را گرفت. پراسات سونگ به خاطر کوشش های توأم با صداقت و درستی شیخ احمد، او را با مقام افتخاری وزارت امور اجتماعی و عنوان وزیر اعظم باز نشسته کرد. زحمات او موجب شد که عده زیادی راه حقیقت را بجویند و به سرچشمه ارزش های والای اسلامی راه یابند.

شیخ احمد تنها به مسلمانان خدمت نکرد؛ بلکه کوشید مردمان تایلند را برای یک استقلال سیاسی، فرهنگی راستین تربیت کند. می گویند تایلند در آسیای جنوب شرقی تنها کشوری بود که هیچ گاه تحت سلطه استعمار قرار نگرفت. تحلیل گران سیاسی، عامل اصلی این امر را وجود رهبران و سیاست گزاران لایق حکومتی در طول تاریخ تایلند دانسته اند که در این میان نباید نقش شیخ احمد قمی و بازماندگان و یاران او را فراموش کرد؛ کما این که نظام اقتصادی در آن زمان به دلیل تصمیم های درست شیخ احمد، از حکومت های دیگر موفق تر بود.

برکات علامه سید نعمه الله جزایری در خوزستان

علامه جزایری در خوزستان به احداث مساجد و حوزه های علمیه و تربیت مبلغین پرداخت و مردم بر اثر این فعابت ها و مجاهدت ها متدین بار آمدند.

کرمانشاهی آقا محمدعلی

کرمانشاهی، آقا محمدعلی (کربلا ۱۱۴۴- کرمانشاه ۱۲۱۶ق

معروف به صاحب مقام) فقیه شیعه امامیه، و فرزند ارشد وحید بهبهانی. گویا به (سبب فرار از طاعون در عراق، به اشاره پدر به ایران کوچید و در کرمانشاه سکنی گزید. مدت کوتاهی در رشت، و حدود سه سال نیز در قم سکونت داشت. او سرسلسله خاندان آل آقا در کرمانشاه است. **گسترش و تحکیم تشیع در غرب ایران، حاصل فعالیت های اوست.** با صوفیه دشمن بود و فتوا به قتل صوفیان می داد، که به دنبال فتوای او بسیاری از صوفیان از جمله رهبران آنان مانند نورعلی شاه و معصوم علی شاه کشته شدند. در فتحعلی شاه قاجار نیز بسیار نفوذ داشت و کتاب ردّ شبهات الکفار را به خواست او نوشت. بیش از ۵۰ اثر به او نسبت داده اند. اخیراً در ایران، مؤسسه علامه وحید بهبهانی دست به کار تهذیب و نشر آثار او نیز شده است. از دیگر آثارش: مقام الفضل، که به سبب آن به صاحب مقام

شهرت یافت؛ قطع المقال، در ردّ صوفیه؛ مفتاح الجامع، در شرح مفاتیح

ملا محسن فیض کاشانی

**برکات ایه الله شیخ عبدالکریم حائری یزدی و ایه الله بروجردی
بسیار زیاد است.**

البته در بین علمای دوران غیبت کبری حضرت امام خمینی بی نظیر هستند. و
برکاتی که ایشان داشتند قابل شمارش نیست.

حضرت صادق القول و الفعل در باره انقلاب اسلامی و مردم ایران بویژه قم
می فرمایند: «سَتَخْلُو كُوفَةُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ. كُوفَهُ از مؤمنین خالی می شود، «و يَأْرِزُ
عَنْهَا الْعِلْمُ» و علم هم از آن رخت بر خواهد بست. یعنی علمش هم دیگر مانند
این جا (ایران و قم) نیست. «كَمَا تَأْرِزُ الْحَيَّةُ فِي جُحْرِهَا» همانند ماری که در
سوراخش پنهان می شود. «ثُمَّ يَظْهَرُ الْعِلْمُ بِلَدِّهِ يُقَالُ لَهَا قُمْ» آن گاه علم در شهری
به نام قم آشکار خواهد شد. «و تَصِيرُ مَعْدِنًا لِلْعِلْمِ وَ الْفَضْلِ» الله اکبر! این شهر،
معدن علم و فضل می شود، «حَتَّى لَا يَبْقَى فِي الْأَرْضِ مُسْتَضْعَفٌ فِي الدِّينِ حَتَّى

المُخَدَّرَاتُ فِي الْحِجَالِ» تا آن جا که بر روی کُره زمین کسی نمی ماند که در دین،
...ضعیف و ناتوان باشد، حتی زنان پرده نشین

در ادامه می فرمایند: «و ذَلِكَ عِنْدَ قُرْبِ ظُهُورِ قَائِمِنَا» و این واقعه نزدیک ظهور
قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ماست. بعد حضرت مطلبی را می فرماید که
باور آن بسیار سخت است، می فرمایند: «فَيَجْعَلُ اللَّهُ قُمَّ و أَهْلَهُ قَائِمِينَ مَقَامَ الْحُجَّةِ»
یعنی خداوند، قم و مردم آن را قائم مقام حضرت حجّت (روحی له الفداء)
می کند. لذا اهل ایران، همان کاری را که حضرت حجّت (روحی له الفداء)
می خواهند انجام دهند، انجام می دهند و قائم مقام ایشان هستند

مجدّد می فرمایند: «و لو لا ذلكَ لَسَاخَتِ الْأَرْضُ بِأَهْلِهَا» اگر چنین نبود و این ها
این کار را نمی کردند، زمین اهل خود را فرو می بلعید. «و لَمْ يَبْقَ فِي الْأَرْضِ
.حُجَّةٌ» و در روی زمین حجّتی باقی نمی ماند. پس این ها باید این کار را می کردند
لذا نمی دانید آقا جانمان، حضرت حجّت (روحی له الفداء) چقدر از این انقلاب
خوشحال شدند

حضرت در ادامه می فرمایند: «فَيَفِيضُ الْعِلْمُ مِنْهُ إِلَى سَائِرِ الْبِلَادِ فِي الْمَشْرِقِ وِ
الْمَغْرِبِ، فَيَتِمُّ حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى الْخَلْقِ، حَتَّى لَا يَبْقَى أَحَدٌ عَلَى الْأَرْضِ لَمْ يَبْلُغْ إِلَيْهِ
الدِّينَ وِ الْعِلْمَ، ثُمَّ يَظْهَرُ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ»، علم از این شهر به شهرهای دیگر در

شرق و غرب عالم سرازیر می شود و بدین ترتیب حجّت خدا بر بندگانش تمام می شود؛ چندان که در گره خاک، کسی نمی ماند که دین و دانش به او نرسیده باشد. سپس قائم علیه السلام ظهور می کند (از بیانات ایه الله قرهی. بهمن

(سال 1392)

این چند نمونه از برکات علمای شیعه بود که ذکر شد.

و صدها عالم دیگر که هر کدام منشا برکات برای اسلام و مسلمین بوده اند.

از خدا بخواهیم علم ما را زیاد کند همانطور که در قران کریم آمده است:

وَقُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا (طه ایه 114)

بگو خدایا علم را زیاد کن.

و از خدا بخواهیم معرفت خود و پیامبرش و امامان را به ما عطا فرماید:

شیخ کلینی و غیر او از حضرت صادق (علیه السلام) روایت کرده اند: که این دعا را تعلیم زراره فرمود که در زمان غیبت و امتحان شیعه بخوانند

اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي نَفْسَكَ، فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ، لَمْ أَعْرِفْ نَبِيَّكَ؛ اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي رَسُولَكَ، فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ، لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ؛ اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي حُجَّتَكَ، فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ، ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي.

خدایا خود را به من بشناسان، زیرا اگر خود را به من شناسانی فرستاده‌ات را نشناختم، خدایا فرستاده‌ات را به من بشناسان، زیرا اگر فرستاده‌ات را به من شناسانی حجّت را نشناختم، خدایا حجّت را به من بشناسان، زیرا اگر حجّت را به من شناسانی، از دین خود گمراه می‌شوم...

جایگاه عالم و معلم در اسلام بسیار جایگاه عظیمی است

همه پیامبران معلم بودند که خداوند فرمود:

هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ

وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ (جمعه ایه 2)

اوست خدایی که میان عرب امّی (یعنی قومی که خواندن و نوشتن نمی دانستند) پیغمبری بزرگوار از همان مردم برانگیخت که بر آنان آیات وحی خدا تلاوت می کند و آنها را (از لوث جهل و اخلاق زشت) پاک می سازد و شریعت و احکام کتاب سماوی و حکمت الهی می آموزد و همانا پیش از این همه در ورطه جهالت و گمراهی آشکار بودند.

در کلمات رسول الله (ص) آمده است (بالتعلم ارسلت) به معلمی ارسال شده ام.. (بُعِثْتُ مُعَلِّمًا) معلم مبعوث شده ام.. (بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ) برای تمام کردن اخلاق خوب مبعوث شده ام...

پیامبر خدا (ص): در قیامت ثوابهایی باندازه کوهها به شخصی می دهند. او می

گوید:

خدایا! من اینهارا انجام نداده ام؟

خداوند سبحان می فرماید: این علم توست که به مردم یاد دادی و بعد از تو به آن

عمل

. کردند

امام هادی علیه السلام: اگر بعد از غیبت قائم علیه السلام، علماء نباشند که

از دین الهی دفاع کرده و بندگان خدا را از دست ابلیس نجات بخشند، همه مرتد

(می شوند .) (1)

پیامبر فرمود: بهترین هدیه به یک مسلمان، علمی است که به او یاد دهید تا هدایت

(یابد و از انحراف نجات یابد.) (2)

امام علی علیه السلام می فرماید: «قُمْ عَنِ مَجْلِسِكَ لِأَبِيكَ وَ مُعَلِّمِكَ وَ إِنْ كُنْتَ

أَمِيرًا؛ به احترام پدر و معلمت از جای برخیز هر چند فرمانروا باشی» (غررالحکم،

(ص ۱۳۶)

امام علی علیه السلام می فرماید: «مَا أَخَذَ اللَّهُ عَلَى أَهْلِ الْجَهْلِ أَنْ يَتَعَلَّمُوا حَتَّى أَخَذَ

عَلَى أَهْلِ الْعِلْمِ أَنْ يُعَلَّمُوا؛ خداوند، از جاهلان برای آموختن تعهد نگرفت، مگر

این که پیش از آن، دانایان را به آموزش دادن آن متعهد و موظف ساخت» (نهج البلاغه، الحکمه ۴۷۸؛ منتخب میزان الحکمه، ۳۹۸)

امام باقر (ع) فرمود: عالمی که از علمش استفاده برند از هفتاد هزار عابد برتر (است). 3)

مکیال المکارم، ج 2، ص 254 . 2 . الجامع الصغیر / 143 . 3 . الکافی / 1/ 35 . 1

در مورد سخن حضرت علی (ع) که فرمود اگر کسی مطلبی به من بیاموزد مرا
غلام خود

کرده، از امام صادق (ع) سوال شد که واقعا شاگرد، غلام استادش است و استاد می
تواند

اورا بفروشد؟ حضرت فرمود خیر ولی استاد می تواند به شاگرد امر ونهی کند

از آیات و روایات و کلمات علماء در می یابیم که پاداش معلم خیر را فقط خداوند سبحان می تواند بدهد و از عهده شاگردان خارج است که تعلیم استاد را جبران نمایند.

اولیاء خدا احترام خاصی برای استادشان قائل بوند که به چند نمونه اشاره می شود
امام امت درباره استاد خود آیه الله شاه آبادی، جمله روحی له الفداء را بکار می بردند.

علامه طباطبائی به احترام استادش مرحوم قاضی، از هنگام رحلت استاد تا آخر عمر
عطر نزدند.

علامه حسن زاده آملی کفش استاد را تمیز می کردند

از وحید بهبهانی پرسیدند از کجا به این مقام رسیدی؟ فرمود از دو چیز. یکی در مورد علم زیاد زحمت کشیدم. دوم به اساتید خود خیلی احترام می گذاشتم
در ارزش مقام علم همین بس که موسی کلیم الله، شش ماه در کوهها و بیابانها می گردد تا خضر نبی را پیدا کند و چند روزی شاگردی او را بنماید.

اسکندر مقام معلم را از پدر بالاتر می دانست و می گفت پدر خالق جسم فرزند
ولی معلم خالق روح شاگرد است

نقش معلم در سعادت یا شقاوت انسان نقش حیاتی است...

اینکه اسلام برای معلم جایگاه بسیار رفیعی قائل است زیرا معلم می تواند شاگرد
را ان چنان خوب تربیت کند که این شاگرد بعدا خود منشا خیرات فراوان شود
مانند ایه الله شاه ابادی که شاگردی چون حضرت امام تربیت کرد و ایه الله سید
علی قاضی که شاگردی چون علامه طباطبایی و ایه الله بهجت تربیت کرد و ایه الله
وحید بهبهانی که شاگردی چون سید بحر العلوم تربیت کرد و شیخ مفید که
شاگردانی چون سید رضی صاحب نهج البلاغه و سید مرتضی علم الهدی تربیت
کرد و....

و یا اینکه معلم انقدر شاگرد را بد تربیت کند که این شاگرد بعدا منشا خرابی
های زیادی شود و افرادی مانند صدام و محمدرضا پهلوی و بنی صدر و مسعود
رجوی و... به وجود بیایند....

آشنایی با روز معلم

روز ۱۲ اردیبهشت در تقویم جمهوری اسلامی ایران، روز معلم نامگذاری شده است. پس از پیروزی انقلاب اسلامی و شهادت استاد مرتضی مطهری در روز ۱۲ اردیبهشت ماه سال ۱۳۵۸ توسط گروه فرقان، این روز به عنوان روز معلم نامگذاری شد.

استاد مطهری در روشنگری اقشار باسواد به ویژه قشر فرهنگی جامعه قدم‌های اساسی برداشته بود و آثار عمیق شهید در احیای فکر دینی اصیل و بی‌پیرایه و منطبق با نیاز روز جامعه در حال گذار ما بسیار مؤثر بوده است.

نقش کلیدی معلمان به عنوان مجریان آموزش عمومی و الگوهای اولیه دانش آموزان بسیار مهم جلوه می‌کند. چرا که معلمان جامعه، انسان سازان نسل بعدی‌اند، لذا نقش آنان به گفته حضرت امام خمینی (ره) همچون نقش انبیا است برای مردم.

از سوی یونسکو، نهاد فرهنگی سازمان ملل متحد، ۵ اکتبر روز جهانی معلم نامگذاری شده است. بیش از ۱۰۰ کشور جهان، از جمله ایران، در جریان تصمیم‌گیری برای نامگذاری روز جهانی معلم حضور داشته و هدف از آن توجه بیشتر نسبت به وضعیت معاش معلمان و کیفیت تدریس است.

همه ساله و در چنین روزی در کشورهای مختلف جهان از مقام و نقش معلمان در جامعه تجلیل می‌شود. جوامع پیشرفته جهان اهمیت آموزش عمومی را به عنوان یکی از مهم‌ترین و شاید تنهاترین عامل توسعه اجتماعی دریافته‌اند و سرمایه گذاری‌های عظیم و درازمدتی را روی آن انجام داده‌اند.

معلم شهید استاد مطهری

یکی از معلمین بسیار تاثیر گزار در جهان اسلام، علامه شهید مطهری است. و او می‌تواند الگوی خوبی برای معلمین خیر باشد. چه در بُعد تلاشهای فراوانی که در علم داشتند که 20 ساعت از شبانه روز را در مورد علم چه سخنرانی و چه مطالعه و چه تدریس صرف می‌کردند. چه در بُعد معنوی و ارتباط معنوی که با خداوند سبحان و اهل بیت (ع) داشتند.

مقام معظم رهبری فرمودند شبی شهید مطهری منزل ما مهمان بودند. موقع سحر صدای گریه ایشان که در حال مناجات بود بلند شد خانواده ما علت گریه ایشان را سوال کرد گفتم که ایشان در حال مناجات هستند

و چه در زمانشناسی و اینکه وقتی احساس می‌کردند شبهه ای مطرح شده و نیاز به جواب به این شبهه عقیدتی است، دست بکار می‌شدند و در جواب آن شبهه کتابی جامع می‌نوشتند.

و چه در داشتن بصیرت و اینکه در همه حوادث قبل و بعد از انقلاب تا شهادتشان در مسیر حق بودند در حالی که هم درسشان با آن همه علم و مبارزه، عاقبت به شر شدند زیرا بصیرت نداشتند.

رجایی، معلم شهید

شهید رجایی در سال ۱۳۱۲ در قزوین به دنیا آمد. او با همت مادرش دوره ابتدایی را در شهر قزوین به پایان برد و سپس به تهران رفت. رجایی هم زمان با کار و فعالیت، به طور متفرقه ادامه تحصیل داد و پس از دانش آموختگی، با راهنمایی آیت الله طالقانی به معلمی روی آورد. شهید رجایی به معلمی عشق می ورزید و کلامش این بود که: «اشتباه کردم شغل معلمی را انتخاب کردم؛ چون مسئولیت آن خیلی سنگین است. اگر قرار باشد بار دیگر آزادانه شغلی را انتخاب کنم، باز همین اشتباه را تکرار می کنم.» او همچنین می گفت: «معلمی شغل نیست؛ عشق است. اگر به عنوان شغل انتخابش کرده ای، رهایش کن و اگر عشق توست، «مبارکت باد».

و معلمین دیگری هستند که به فوز شهادت نائل آمدند.

امام حسین علیه السلام معلم بشریت

یکی از معلمین بی نظیر عالم بشریت، امام حسین علیه السلام هستند که از ابتدای خلقت حضرت ادم تا کنون شاگردان زیادی توسط امام حسین علیه السلام تربیت شدند. همانگونه که رسول خدا(ص) فرمود ان الحسین مصباح الهدی و سفینه النجات. امام حسین علیه السلام چراغ هدایت و کشتی نجات هستند. ادم هایی بودند خیلی بد بودند ولی وقتی شاگرد مکتب امام حسین علیه السلام شدند تبدیل به انسان های خیلی خوبی شدند. مانند طیب رضایی که اول چاقو کش بود ولی بعد حُر انقلاب شد. یا رسول ترک که شرابخوار و.. بود ولی بعد نوحه خوان امام حسین علیه السلام شد و بعد مرگش از قبرش حاجت می گیرند و هزاران نفر مانند این دونفر.

حتی سیاستمداران بزرگ دنیا چون گاندی و نهر و غیره گفته اند ما از امام حسین علیه السلام درس گرفته ایم.

و این تربیت حسینی ادامه دارد و از جوشش باز نمی ایستد

عالم همه قطره و دریاست حسین

خوبان همه بنده و مولا است حسین

ترسم که ببخشد از قاتل خویش

از بس که کرم دارد و اقا است حسین.

خداوند یک جاذبه عجیبی در امام حسین علیه السلام قرار داده است که کسی که این هنر را احساس می کند ناگهان از همه جلوه های دنیوی دست می کشد و بسوی حرم امام حسین علیه السلام در کربلا حرکت می نماید....

بزرگ شده هلند با دیدن قتلگاه امام جان داد

از هلند تا کربلا..... جوانی که سال قبل در روز عاشورا در حرم امام حسین علیه السلام فوت کرد ، بدون هیچ گونه مریضی و هیچ گونه فشاری و علتی جوان مرفهی از خانواده ای غیر مذهبی ، که توسط پدر و مادرش به هلند فرستاده شده بود، برای ادامه تحصیل و زندگی ، اما به یکباره برمیگردد ، همه زرق و برق و خوشی و ثروت را رها می کند و می گوید می خواهد سرباز امام زمان شود ، خانواده اش اصلا متوجه حرف او نمیشوند، او وارد حوزه میشود و محرم سال قبل برای اولین بار در عمرش می خواهد به کربلا برود ،

به مادرش می گوید

مگر میشود کربلا رفت و قتلگاه را دید و زنده برگشت

با دوستش دونفری به عراق می آیند ، دوستش می گوید مستقیم کربلا بریم ،

امیر حسین قصه ما، می گوید

اگر کربلا بریم من دیگه نجف را نمی بینم ، اما تا ابد کنار امیرالمومنین خواهم
بود

و نجف را ندید

در همان حرم امام حسین علیه السلام امیر حسین تمام کرد

با اینکه عتبه حسینی سه جا برای قبر در حرم به آنها پیشنهاد داد اما امیر حسین
همانطور که خودش گفته بود در نجف شد

وظیفه شاگرد نسبت به معلم

وظیفه شاگرد نسبت به معلم و استادش بسیار مهم و حساس است بطوری که شاگردانی که به این وظایف عمل کنند معمولاً عاقبت به خیر می‌شوند و آنهایی که عمل نکنند دچار مشکل می‌شوند. ما به قسمتی از این وظایف که از کتاب منیه المرید برگرفته شده، اشاره می‌شود:

شاگرد نباید در حضور معلم تکیه کند. نباید پایش را روی هم بیاندازد و باید کمال ادب و تواضع و خشوع را در مقابل استاد داشته باشد.

شاگرد نباید در حضور استاد، صدایش را بلند کند. حرف استاد را قطع نکند. زیاد سؤال نکند ولی هر کجا لازم شد پرسد که کلید علم در سؤال کردن است.

سخن معلم را انکار نکند حتی اگر خلاف نظرش باشد. معلم را با تو خطاب نکند و او را با کلمه استاد یا معلم و امثال آن خطاب کند. اسم استاد را با احترام ببرد و او را به اسم کوچک خطاب ننماید. نگذارد که در مجلسی غیبت معلمش را کنند و از او دفاع کند.

به فرزندان و فامیل و دوستان معلمش احترام بگذارد.

شاگرد بر بد اخلاقی معلم صبر کند و عیب او را بپوشاند و جواب سرزنش استاد را ندهد. شاگرد در کلاس غیبت نکند و قبل از معلم وارد کلاس شود. شاگرد با لباس مناسب و ظاهر آراسته و با بوی خوش وارد کلاس شود و بی جوراب نباشد. و در مقابل استاد دوزانو بنشیند.

شاگرد در حضور استاد خمیازه نکشد و با دیگری صحبت نکند و سؤال بی جا ننماید.

اگر در کوچه با معلم روبرو شد ابتدا به سلام کند و از راه دور یا از پشت سر استاد سلام نکند.

شاگرد قبل و بعد از مرگ استادش مرتب برای او دعا و استغفار کند.

به فرمان پیامبر (ص) عبدالله بن سعید بن عاص در مدینه به مردم خواندن و نوشتن می آموخت. از عباده بن صامت نیز نقل شده که می گفت: «من به جمعی از اصحاب صفة خواندن و نوشتن و قرآن می آموختم.»

شور و اشتیاق علم‌آموزی به مرتبه‌ای رسیده بود که ابوسعید خدری می‌گوید:
رسول خدا(ص) وقتی می‌نشستند، موضوع صحبت شان فقه؛ یا یکی از آنان
سوره‌ای می‌خواند یا به کسی می‌گفتند، سوره‌ای بخوان.

اهتمام رسول خدا(ص) به امر آموزش و پرورش به حدی بود که به مشرکانی که
در جنگ بدر، به اسارت سپاه اسلام در آمده بودند و توان پرداخت فدیة آزادی
خود را نداشتند، اعلام کردند که می‌توانند با تعلیم خواندن و نوشتن به ده نفر از
کودکان انصار آزاد شوند. این عمل موجب شد که بسیاری از کودکان مسلمان
خواندن و نوشتن بیاموزند که زید بن ثابت در زمره آنان خواندن و نوشتن
آموخت.

در مسجد مدینه حلقات درس و بحث تشکیل می‌شد، آن حضرت یا خود آنها را
برگزار می‌کرد و یا در جمع شرکت می‌فرمود و مردم را به پیوند به این حلقات
تشویق می‌کرد، اصحاب بعد از نماز حلقه حلقه دور حضرت یا دور هم می‌نشستند
و قرآن می‌خواندند و واجبات و مستحبات دین می‌آموختند. این جلسات در
مسجد مدینه به قدری جالب بود که نمایندگان قبیله ثقیف از دیدن این منظره
سخت تکان خوردند و از کوشش مسلمانان در فراگیری احکام و معارف انگشت
تعجب به دندان گرفتند.

از عبدالله بن عمرو عاص روایت شده که روزی پیامبر اکرم (ص) در مسجد خود بر دو مجلس گذشت فرمود: «هر دو خوب است و یکی بهتر است چرا که آنان دعا می‌کنند و خدا را می‌خوانند، اگر خدا بخواهد بر ایشان عطا می‌کند و اگر بخواهد منع می‌کند؛ اما اینان علم دین می‌آموزند و به جاهل می‌آموزانند و من معلّم مبعوث شده‌ام». پس حضرت در حلقه‌ی اهل علم نشست.

اشاعه علم و دانش تنها محدود و مختص به مدینه نبود، توجه و تلاش رسول خدا (ص) بر این بود که علم و دانش را در همه مناطق و سرزمین‌ها بسط و نشر دهند؛ از این رو به فرستادگانی که به مناطق مختلف گسیل می‌داشتند، توصیه و تأکید می‌کردند که در نشر و بسط دانش، بخصوص علوم دینی بکوشند. ایشان به معاذ بن جبل هنگامی که او را به سوی یمن می‌فرستاد فرمود: «ای معاذ به آنان کتاب خدا بیاموز و آنها را به اخلاق نیکو تربیت کن... پس آموزگاران را در میان آنها پیرا کن.»

روا نباشد که پدر را عذاب کنیم در حالی که پسرش به یاد ما باشد □ 

روایت نموده اند که رسول خدا (ص) روزی از قبرستان گذر می نمودند □
نزدیک قبری رسیدند به اصحاب خویش فرمودند: عجله کنید و بگذرید اصحاب
تعجیل کردند و از آنجا گذشتند

و در وقت مراجعت چون به قبرستان و آن قبر رسیدند خواستند زود بگذرند.
حضرت فرمودند: عجله نکنید. اصحاب عرض کردند: یا رسول الله! چرا در وقت
رفتن امر به عجله کردن فرمودید؟! حضرت فرمودند: صاحب این قبر را عذاب می
کردند و من طاقت شنیدن ناله و فریاد او را نداشتم. اکنون خدای تعالی رحمتش
را شامل حال او کرد

گفتند: یا رسول الله! سبب عذاب و رحمت به او چه بود؟ حضرت فرمودند: این
مرد، مرد فاسقی بود که به سبب فسقش تا این ساعت در اینجا معذب بود
کودکی از وی باقی مانده بود در این وقت او را به مکتب بردند و معلم به این

فرزند «بسم الله الرحمن الرحيم» را تعلیم نمود و کودک آن را بر زبان جاری نمود، در این هنگام به فرشتگان عذاب خطاب رسید که

دست از این بنده فاسق بردارید و او را عذاب نکنید روا نباشد که پدر را عذاب [?] کنیم در حالی که پسرش به یاد ما باشد

تدبیر حکیمانه یک معلم اثر بسیار خوبی داشت...

در یکی از مدارس،

دور افتاده یاسوج معلمی دچار مشکل شد و موقتا برای یک ماه معلم جایگزینی بجای او شروع به تدریس کرد. این معلم جایگزین در یکی از کلاسها سوالی از

دانش آموزی کرد که او نتوانست جواب دهد، بقیه دانش آموزان شروع به خندیدن و او را مسخره می کردند.

معلم متوجه شد که این دانش آموز از اعتماد به نفس پایینی برخوردار است و همواره توسط هم کلاسی هایش مورد تمسخر قرار می گیرد.

زنگ آخر فرا رسید و وقتی دانش آموزان از کلاس خارج شدند، معلم آن دانش آموز را فرا خواند و به او برگه ای برگه ای داد که بیتی شعر روی آن نوشته شده بود و از او خواست همان طور که نام خود را حفظ کرده، آن بیت شعر را حفظ کند و با هیچکس در مورد این موضوع صحبت نکند.

در روز دوم معلم همان بیت شعر را روی تخته نوشت و به سرعت آن بیت شعر را پاک کرد و از بچه ها خواست هر کس در آن زمان کوتاه توانسته شعر را حفظ کند، دستش را بالا ببرد.

هیچکدام از دانش آموزان نتوانسته بود حفظ کند.

تنها کسی که دست خود را بالا برد و شعر را خواند همان دانش آموز دیروزی بود که مورد تمسخر بچه ها بود.

بچه ها از این که او توانسته در این فرصت کوتاه شعر را حفظ کند مات و مبهوت شدند.

معلم خواست برای او کف بزنند و تشویقش کنند

در طول این یک ماه، معلم جدید هر روز همین کار را تکرار می کرد و از بچه ها می خواست تشویقش کنند و او را مورد لطف و محبت قرار می داد

کم کم نگاه همکلاسی ها نسبت به آن دانش آموز تغییر کرد

دیگر کسی او را مسخره نمی کرد

آن دانش آموز خود نیز دارای اعتماد به نفس شد و احساس کرد دیگر آن شخصی که همواره معلم سابقش "خنگ" می نامید، نیست، پس دانش آموز تمام تلاش خود را می کرد که همواره آن احساس خوب برتر بودن و باهوش بودن و ارزشمند بودن در نظر دیگران را حفظ کند

آن سال با معدلی خوب قبول شد

به کلاس های بالاتر رفت

در کنکور شرکت کرد و وارد دانشگاه شد

مدرک دکترای فوق تخصص پزشکی خود را گرفت و هم اکنون پدر پیوند کبد جهان است که در بیمارستان ابن سینای شیراز شهر صدرا صدها پیوند کبد انجام داده است.

این قصه را *دکتر ملک حسینی* در کتاب زندگانی خود و برای قدردانی از آن معلم که با یک حرکت هوشمندانه مسیر زندگی او را عوض نمود، در صفحه اینستاگرامش نوشته، انسان‌ها دو نوعند

نوع اول کلید خیر هستند. دستت را می‌گیرند و در بهتر شدنت کمک کرده و به تو احساس ارزشمند بودن می‌دهند.

نوع دوم انسان‌هایی هستند که با دیدن اولین شکستِ شخص، حس بی‌ارزشی و بدشانس بودن را به او منتقل می‌کنند.

این دانش آموز می‌توانست قربانی نوع دوم این انسان‌ها بشود که بخت با او یار بود.

و آن معلم کسی نبود جز *محمد بهمن بیگی* ابر مردی بزرگ که چون

ستاره‌ای در دل شبهای سیاه روزگاران درخشید و معجزه کرد.

استاد بهمن بیگی نویسنده‌ای چیره دست با ذهنی خلاق و مدیری لایق بود و نشان داد که اگر اراده باشد میتوان مردمی را از فرش به عرش رساند که نمونه آن دکتر ملک حسینی است.

□♥□. روحش جاودان و یادش گرامی

این داستان واقعی را برای هر کسی که میشناسید ارسال کنید تا تشکری باشد از □ همه معلمین درستکار ایران زمین

تقسیم‌بندی علوم از نظر دانشمندان اسلامی

مهدی محقق رئیس انجمن آثار و مفاخر فرهنگی ایران می نویسد: تقسیم‌بندی علوم از زمان آشنایی مسلمانان با علم، همواره مورد توجه آنان بوده است تا بدین وسیله طالبان علوم را یاری دهند دانشمندان اسلامی در گذشته، توجه خاصی به فراگیری علوم و فنون و آموزش آنها داشتند. از این رو، مقدماتی فراهم کردند تا طالبان علوم را یاری دهد و تقسیم‌بندی علوم از جمله این مقدمات بود. از آنجا که نمی‌توانیم همه کتابهایی را که در تقسیم‌بندی علوم تدوین شده‌اند، معرفی کنیم. لذا خلاصه‌ای از مهم‌ترین کتابها و مقالات این فن را به ترتیب زمانی نام برده، سپس ویژگی‌های هر یک را بر می‌شمریم.

(فارابی (وفات ۳۳۹ هـ

ابونصر محمدبن احمد فارابی، ملقب به معلم ثانی، از فیلسوفان بزرگ اسلام به شمار می‌رود. وی به آثار قدما، بویژه افلاطون و ارسطو، عنایت

داشت و با مطالعه آثار این دو حکیم توانست آنچه را که در تقسیم‌بندی علوم نزد بزرگان یونان اهمیت داشت، برگیرد.

فارابی در کتابی به نام فلسفه افلاطون و اجزاءها من اولها و اخرها (۱) چگونگی ارتباط مطالب علمی و ایجاد و پدید آمدن آنها را از یکدیگر در آثار افلاطون تبیین نمود. وی همچنین در کتاب دیگری بنام فلسفه ارسطو طالیس و اجزاء فلسفه و مراتب اجزاءها و الموضوع الذی منه ابتداء و الیه انتهی (۲) به تبیین درجه‌بندی فلسفه معلم اول و اهداف وی در تالیفات منطقی و طبیعی‌ش پرداخت.

فارابی در دو کتاب نیز مستقلاً به بحث درباره تقسیم‌بندی علوم می‌پردازد که عبارتند از: احصاء العلوم و التنبیه علی سبیل السعاده. فارابی در احصاء العلوم خود به تقسیم‌بندی علوم، تعاریف و ویژگی هر یک از آنها می‌پردازد. این کتاب در ۵ فصل است: یکم: علم زبان؛ دوم: علم منطق؛ سوم: علم تعالیم؛ چهارم: علم طبیعی و الهی؛ پنجم: علم مدنی و فقه و کلام. سپس هر یک از این علوم را بررسی می‌کند. در علم زبان، به بیان علم الفاظ مفرد و مرکب و قوانین آنها و در منطق به انواع قیاس و صناعات خمس یعنی برهان، جدل، سفسطه، خطابه و شعر می‌پردازد. در علوم ریاضی به اقسام هفتگانه آن یعنی عدد، هندسه، مناظر، نجوم

تعلیمی، موسیقی، علم جر ائقال و علم حیل، علم اعداد و همچنین علم هندسه را به عملی و نظری تقسیم می‌کند

علم مناظر را نیز در دو گروه می‌شمارد: یکم بحث در آنچه که با شعاع‌های مستقیم از آن سخن می‌رود و دوم بحث در آنچه که با شعاع‌های نامستقیم از آن یاد می‌شود. علم نجوم را نیز به احکام نجوم و نجوم تعلیمی تقسیم می‌کند. موسیقی نیز به عملی و نظری تقسیم می‌شود. علم ائقال (=توزین) با نگرش به آن، یا از نظر وزن شدن چیزی یا وزن شدن با چیزی یا از جهت ائقالی که حرکت می‌کنند و یا بوسیله آن حرکت صورت می‌پذیرد، تقسیم می‌گردد. علم حیل، خود به حیل عددی و هندسی و معماری و حیل در اندازه‌گیری انواع اجسام و حیل در ساختن اجسام نجومی و آلات موسیقی و حیل مناظر و حیل در ساختن ظروف شگفت‌انگیز تقسیم می‌شود

علوم طبیعی با نگرش به اجسام طبیعی و صناعی به هشت بخش تقسیم می‌گردد که عبارتند از: سماع طبیعی، آسمان و جهان، کون و فساد، آثار علوی و اجسام مرکب از اسطقسات، معادن، گیاهان، جانوران، نفس. الهیات نیز به سه گروه تقسیم می‌گردد: یکم، جستجو درباره ماهیت موجودات از نظر موجود بودن؛ دوم، جستجو در مبادی برهان‌های علوم

نظری جزئی؛ سوم، بحث درباره موجوداتی که جسم نیستند و در جسم نیز قرار ندارند.

علوم مدنی خود به دو جزء تقسیم می‌شود: یکی، شامل تعریف سعادت و دیگری شامل ترتیب اخلاق و رفتارهای پسندیده در شهرها و در میان مردمان. علم فقه نیز دو جزء است: یکی درباره آراء و دیگری درباره اعمال، و علم کلام نیز همین تقسیم بندی را داراست

فارابی در آغاز کتاب خود می‌گوید: «در این کتاب بر آن بودیم که علوم مشهور را جداگانه بررسی کنیم و با خلاصه و اجزاء هر یک از آنها آشنا شویم». سپس می‌گوید: «با این کتاب که انسان می‌تواند علوم را مقایسه کند تا بداند کدامیک از آنها بهتر، سودمندتر، متفن‌تر، محکم‌تر، قوی‌تر» (و کدامیک سست و ضعیف‌تر است) (۳)

فارابی در کتاب التنبیه علی سبیل السعاده به شیوه‌ای دیگر به تقسیم بندی علوم می‌پردازد. وی در این شیوه معارف را به دو گروه تقسیم می‌کند. گروه اول علمی که انسان باید بداند و بدان عمل کند. از قبیل علم ما به اینکه «نیکی به والدین نیکوست» و هر یک از این گروه صناعت‌هایی است و صناعتها نیز بر دو قسم است یکی آنکه تنها از راه علم به آن معرفت داریم و دیگری علمی که ممکن است بدان عمل شود.

این قسم اخیر خود دو شعبه تقسیم می‌شود: یکی، علمی که انسان در شهر با آن عمل می‌کند مانند پزشکی، تجارت و کشاورزی و قسم دیگر علمی که انسان در روش اخلاقی خود به آن نیازمند است و با آن کارهای نیک و درست را تشخیص می‌دهد. مقصود از این صناعات یا زیباست یا سودمند. اولی فلسفه یا حکمت مطلق نامیده می‌شود و دومی چیزی نیست که حکمت مطلق نامیده شود. و از آنجا که امر زیبا بر دو نوع است، نوعی که دانش است و نوع دیگر که هم دانش است و هم عمل، صناعت فلسفه بر دو قسم می‌شوند: قسمی که معرفت موجوداتی است که انسان در آنها تصرف ندارد که این قسم را فلسفه عملی می‌نامند و دوم قسمی که انسان در آنها تصرف دارد و بدان عمل می‌کند که آن فلسفه عملی یا مدنی می‌گویند.

فلسفه نظری خود به سه قسم تقسیم می‌گردد: یکم، علم تعالیم (= علم ریاضیات). دوم علم طبیعی و سوم علم مابعدالطبیعه. فلسفه مدنی نیز دو قسم است. قسم نخست بحث از شناخت کردارهای زیباست که صناعت خلقی (=اخلاق) نامیده می‌شود و دوم شامل اموری است که به وسیله آن اشیاء زیبا برای مردمان شهری بدست می‌آید و این فلسفه سیاسی نامیده می‌شود و چون فلسفه باجود (=تشخیص و تمییز) حاصل می‌شود و این

جودت تشخیص و تمییز را نیز به نوبه خود تنها با قوت ذهن بر امر
(درست بدست می آید، منطق نامیده‌اند. (۴)

(اخوان الصفا (اواسط قرن چهارم هجری

در رسائل اخوان الصفا فصل مستقلی است که از اجناس و انواع علوم به
ترتیب زیر بحث می کند

علوم بر سه نوع است ۱- ریاضی ۲- شرعی ۳- فلسفه حقیقی

ریاضی: علم به آدابی که بیشتر برای طلب معاش و صلاح حیات - ۱
دنیوی وضع گردیده است و عبارت از نه علم است: کتابت و قرائت،
لغت و نحو، حساب و معاملات، شعر و عروض، زجر و فال، سحر و غرائب
و کیمیا و حیل و حرفه ها و صنایع، بیع و شراء (فروش و خرید) و تجارت
و حرث (= کشاورزی) و نسل، سیر و اخبار

علوم شرعی که برای طلب نفوس و طلب آخرت وضع شده است. - ۲
شش نوع است: اول: تنزیل، دوم: تاویل، سوم: روایات و اخبار، چهارم:
فقه و سنن و احکام، پنجم: تذکار و مواعظ و زهد و تصوف، ششم: تاویل
(رویا (= خوابگزاری

اما علوم فلسفی چهار نوع است: ۱- ریاضیات ۲- منطقیات ۳- طبیعیات
۴- الهیات و ریاضیات خود بر چهار گونه است اول: ارثماطیقی که عبارت
است از معرفت ماهیت عدد و کمیت انواع آن و خواص آنها، دوم: جو
مطریا (=هندسه) سوم: اسطرنومیا (نجوم)، چهارم: موسیقی

علم منطق پنج نوع است: اول: انولوپیکا که معرفت صناعت شعر است،
دوم: ریطوریکا که معرفت صناعت خطابه است، سوم: طوییکا که معرفت
صناعت جدل است، چهارم: بولوپیکا که معرفت صناعت برهان است،
پنجم سوفسطیکا که معرفت صناعت مغالطان در مناظره و جدل است.
ارسطو سه کتاب دیگر نیز تالیف نمود و آنها را مقدمات کتاب برهان
قرار داد. کتاب اول: قاطیغوریاس، دوم: باریمیناس، سوم: انولوپیکای
اول.

علوم طبیعی بر هفت نوع است اول: دانش مبادی جسمانی، دوم: دانش
شناخت آسمان و جهان، سوم: دانش کون و فساد، چهارم: دانش حوادث
جوی، پنجم: معدن شناسی، ششم: گیاه شناسی، هفتم: حیوان شناسی.
۵))

(ابن ندیم (تولد: ۳۸۰هـ

محمد بن اسحاق الندیم، کتاب فهرست خود را تالیف و کتابهایی را که تا روزگار وی تالیف شده بودند در آن ثبت کرد. روش او در این کتاب بر پایه تقسیم موضوعی یعنی «انواع علوم» است. آنگاه از این حد پا فراتر نهاد و به ذکر مختصری از شرح حال نویسندگان کتابهای علمی پرداخت.

ابن ندیم کتاب را بر پایه ده مقاله مرتب نمود که اقسام علوم زمان مولف بود. مولف در هر یک از مقاله ها فنون مناسب را از این قرار برشمرده است:

مقاله اول: ۱- علم خطوط و اقلام و کتابتها، ۲- شرایع و مذاهب، ۳- علم قرآن و قرائت.

مقاله دوم: ۱- علم نحو، ۲- علم لغت

مقاله سوم: ۱- علم اخبار و روایات، ۲- علم تاریخ، ۳- علم انساب

مقاله چهارم: ۱- علم شعر، ۲- راویان شعر

مقاله پنجم: ۱- کلام، ۲- تصوف

مقاله ششم: ۱- فقه، ۲- مذاهب فقه

مقاله هفتم: ۱- فلسفه، ۲- طب

مقاله هشتم: ۱- افسانه گویی و خرافات، ۲- سحر و افسون و شعبده

مقاله نهم: کذاهب و اعتقادات

مقاله دهم: کیمیا و صنعت (۶)

(خوارزمی (تولد ۳۸۷ هـ

ابوعبدالله محمدبن یوسف کاتب خوارزمی، کتاب جامعی به نام مفاتیح العلوم و اوائل الصناعات (= کلید دانشها و مقدمات صناعات) تالیف و در آن مواضع و اصطلاحات طبقات مختلف دانشمندان را بیان کرد. او کتاب را بر پایه دو مقاله قرار داده است: ۱- علوم شریعت و علوم عربی مربوط به آن. ۲- علوم عجم (غیرعربی) که یونانیان باشند. علمی که خوارزمی نام می برد و اصطلاحات آنها را نخستین مقاله بیان می دارد عبارتند از:

فقه ۲- کلام ۳- نحو ۴- کتابت ۵- شعر و عروض ۶- اخبار ۱-

در دومین مقاله این گروه از علوم را ذکر می کند

کشاورزی ۲- منطق ۳- پزشکی ۴- عدد (=حساب) ۵- هندسه ۶- نجوم ۷- ۱-
(موسیقی ۸- حیل (=مکانیک) ۹- کیمیا ۷)

(ابن فریغون (وفات: نیمه دوم قرن چهارم هـ

شیعابن فریغون، شاگرد ابوزید بلخی، کتابی به نام جوامع العلوم تالیف کرده که در بسیاری از مطالب به مفاتیح العلوم خوارزمی شباهت دارد. این کتاب احتمالاً در قرن چهارم تالیف یافته است. مولف در این کتاب اصول بسیاری از مباحث صناعات و علوم مختلف را که دانستن آنها بر نویسندگان دیوان و پادشاه زمان خود لازم بود، طرح کرد. وی در این کتاب موضوعات را به صورت درخت و شاخه های آن آورده است. به عبارتی دیگر مولف همزمان با بحث درباره موضوعی اصلی مانند «امراض القوه الفکریه» بیماری توان فکری آن را به دو قسمت فرعی که جهل و بی زبان باشد، تقسیم می کند و برای هر یک از این دو نوع شاخه های به (هم پیوسته ای ذکر می کند. ۸)

(ابن سینا (وفات ۳۲۸ هـ

ابن سینا در آغاز مقدمه شفا که فلسفه را به نظری و علمی تقسیم می کند، می گوید: «هدف از فلسفه این است که انسان را تا جایی که ممکن است بر حقایق اشیاء آگاه نماید. و اشیاء یا موجود هستند و وجود آنها در

حوزه اختیار ما و حوزه عمل ماست. معرفت قسم اول این امور فلسفه نظری است و قسم دوم فلسفه عملی

فلسفه نظری یا اعتبار موجودات را از حیث اینکه از لحاظ تصور و قوام در حال حرکت و متعلق به مواد انواع خاصی است، مورد بررسی قرار می‌دهد که علم طبیعی نامیده می‌شود و یا اینکه اعتبار موجودات را از حیث اینکه از حرکت به لحاظ تصور نه قوام جداست مورد تحقیق قرار می‌دهد که به علم ریاضی محض و علم اعداد مشهور است و یا اینکه اعتبار موجودات را از حیث اینکه به لحاظ قوام و تصور هر دو از حرکت مورد بحث قرار می‌دهد و این همان علم الهی است

اما فلسفه عملی با مربوط است به تعلیم آرائی که به وسیله آنها مشارکت عمومی و عادی بشر تنظیم می‌شود که به تدبیر مدن معروف است و علم سیاست نیز نامیده می‌شود و یا مربوط است به آنچه که بوسیله آن مشارکت خصوصی بشر تنظیم می‌گردد که تدبیر منزل نام دارد و یا اینکه این آراء مربوط به تنظیم حال شخص در تزکیه نفس خویش است که علم اخلاق نامیده می‌شود و هدف از فلسفه نظری معرفت حق است،
»(در حالی که هدف از فلسفه عملی معرفت خیر است) ۹

ابن سینا رساله مستقلى در اقسام علوم عقلی دارد. وی در این رساله چنین می گوید: «حکمت به نظری و عملی تقسیم می شود. حکمت نظری به سه گروه تقسیم می شود: علم أسفل که علم طبیعی نام دارد و علم اوسط که علم ریاضی است و علم أعلى، که علم الهی نامیده می شود» و آن گاه علوم عملی را نیز به سه گروه تقسیم می کند و می گوید: «قسمت اول که به وسیله آن تعریف می شود که اخلاق و افعال انسان شایسته است چگونه باشد و اخلاق نامیده می شود. قسمت دوم، که به وسیله آن معلوم می گردد که در تدبیر منزل و میان او و همسر و فرزند و مملوکش سزاوار است چگونه باشد که این تدبیر منزل است. و قسمت سوم که به وسیله آن انواع سیاستها و ریاستها و اجتماعات دانسته شود که علم سیاست است»

ابن سینا، آنگاه برای حکمت طبیعی اصلی هشت گونه طبقه بندی قائل می شود و هر کدام از آنها را بر پایه کتابهایشان بدین ترتیب ذکر می کند:

- کتاب سمع الکیان ۲- کتاب السماء و العالم ۳- کتاب الکون و الفساد ۱-
- ۴- کتاب الاثار العلویه ۵- کتاب المعادن ۶- کتاب النیات ۷- کتاب

الطبائع الحيوان ۸- کتاب التفس و المحس و المحوس و برای حکمت
طبیعی فرعی، هفت گونه طبقه بندی به ترتیب زیر برمی شمرد

علم طب، ۲- علم احکام نجوم، ۳- علم فراست (=قیافه شناسی) ۴- ۱-
علم تعبیر (=خوابگزاری) ۵- طلسمها، ۶- علم نیرنگها ۷- علم کیمیا

بوعلی حکمت اصلی ریاضی را چهار قسم کرده است: ۱- علم عدد
(=حساب) ۲- علم هندسه ۳- علم هیئت، ۴- علم موسیقی

آنگاه از علوم فرعی ریاضی این چنین می گوید: از فروع، علم اعداد، جمع
و تفریق هندی و جبر و مقابله است. و از فروع هندسه مساحی (= زمین
پیمانی، اندازه گیری زمین) و چهل متحرکه و علم جر اثقال و علم وزنها و
ترازوها و علم آلات جزئی و علم مناظر و مرایا و علم انتقال آبها. و از
فروع علم موسیقی، گزیدن آلات شگفتی انگیز

بوعلی برای حکمت اصلی الهی نیز پنج نوع تقسیم بندی قائل است که
عبارتند از

نظر در معانی عام (=امور عامه). ۲- نظر در اصول و مبادی ۳- نظر در اثبات حق اول و یگانگی وی، ۴- نظر در جواهر روحانی نخستین، ۵- در تسخیر جواهر آسمانی و زمینی

آنگاه کیفیت نزول وحی را برمی شمارد و معاد را از فروع علم الهی به حساب می آورد. بوعلی این رساله را با اقسام علم ابزاری است برای کسب حکمت نظری و عملی که منطبق باشد، به پایان می برد و برای آن به ترتیب زیر نه تقسیم بندی قائل است

آنچه که اقسام الفاظ و معانی در آن تبیین می شود، ۲. آنچه که عدد ۱. معانی مفرده ذاتی در آن تبیین می گردد. ۳. آنچه که ترکیب معانی مفرده در آن تبیین می گردد. ۴. آنچه که ترکیب قضایا در آن تبیین می گردد. ۵. آنچه شرایط قیاس از راه آن شناخته می شود. ۶. آنچه شامل تعریف قیاسهای نافع است، ۷. آنچه شامل تعریف مغالطات است، ۸. آنچه شامل تعریف قیاسهای خطابی و بلاغی است، ۹. آنچه شامل کلام (شعری است) ۱۰.

(بیرونی (وفات ۴۴۰ هـ

ابوریحان محمدبن احمد بیرونی، رساله‌ای نگاشته که در آن کتابهای محمدبن ذکریای رازی و نیز کتابهایی را که خود تا سال ۴۲۷ تالیف

کرده بود برمی‌شمارد. بیرونی پس از اینکه ۱۸۴ کتاب رازی را نام می‌برد، آنها را بر پایه موضوعات علوم مختلف به ترتیب زیر تقسیم می‌نماید.

طب، ۲- طبیعیات، ۳- منطقیات، ۴- ریاضیات و نجومیات، ۵- تفاسیر ۱- و خلاصه‌ها و اختصارات، ۴- فلسفی و تخمینی، ۷- مابعدالطبیعه، ۸- الهیات، ۹- کیمیا، ۱۰- کفریات، ۱۱- در فنون گوناگون

بیرونی کتابهای خود را به ترتیب زیر تقسیم‌بندی می‌کند. ۱- علوم نجوم و هیات زیجها ۲- طول و عرض شهرها و فاصله آنها از یکدیگر، ۳- آنچه مربوط به حساب است، ۴- در شعاعات و ممر (=گذرگاه)، ۵- ستارگان دنباله دار و گیسودار، ۶- در متفرعات، ۷- فکاهیت و (هزل‌گویی و سخیف‌گویی، ۸- آنچه که به عقاید مربوط است. (۱۱)

(لوکری (وفات بعد از ۵۰۳ هـ

ابوالعباس فضل بن محمد لوکری، فیلسوف ادیب و از شاگردان بهمنیار بن مرزبان و ابن سینا، کتابی بنام بیان الحق بضمان الصدق تالیف و در آن آثار فلسفی ابن سینا و فارابی را تشریح و تلخیص کرد. فصل اول کتاب لوکری در ماهیت علم و تقسیم آن است که خلاصه سخن او در این

کتاب چنین است علوم در تقسیم اولیه بر دو نوعند: علوم حکمی و علوم غیر حکمی

علوم حکمی متساوی النسب در تمام اجزا زمان و دارای دو گونه تقسیم است:

فروع و اصول، فروع از قبیل طب، نجوم، کشاورزی و غیره. اصول نیز بر دو قسم است: قسمی که در آن از اموری که در عالم موجود از آن استفاده می‌شود و نهایت کوشش طالب آن این نیست که آنرا بیاموزد تا ابزاری برای دست‌یابی به علوم دیگر گردد و قسم دیگر آنکه می‌کوشد تا آنرا ابزاری برای طلب علم به امور موجود در جهان قرار دهد و عادت بر این جاری شده است که این علم منطق نامیده شود.

اما قسمت دوم در تقسیم نخست به دو علم تقسیم می‌شود؛ زیرا که غایت علم یا تزکیه نفس است به وسیله آنچه که تنها از صورت معلوم حاصل می‌آید و یا غایت و هدف تنها این نیست، بلکه عمل آنچه که صورت آن در نفس نقش بسته است نیز مراد است. قسمت اول علم نظری و قسمت دوم علم عملی نامیده می‌شود.

علم نظری چهار قسم است: زیرا که امور یا با ماده معین، از حیث «حد» و «قوام» آمیخته است که در عالم طبع و وجود آنها در هر ماده ای حاصل

نمی شود، از قبیل آدمی بودن و اسب بودن که ذهن پس از تامل و دوران‌دیشی در هر ماده آن را شکل نمی دهد. بلکه آنرا در قالب ماده معینی قرار می دهد.

و یا اینکه امور با ماده آمیخته است لیکن ذهن نیاز ندارد که آنها را در قالب معینی بریزد، بلکه هر ماده می تواند با آن آمیخته شود، نظیر دایره بودن، مربع بودن و مانند سه گام و دو گام بودن یا اینکه اصلاح با ماده و حرکت مباین است و صلاحیت آمیختگی با ماده را ندارد و صلاحیت در آمدن به تصور عقلی محض را هم ندارد مثل وجود باری تعالی و انواع از فرشتگان و عقل و نفس، این از گونه سوم از موجودات است.

و یا اینکه اموری هستند که گاهی با ماده آمیخته می شوند و گاهی نمی شوند بنابراین از جمله اموری قرار می گیرند که گاهی مخلوط و گاهی غیرمخلوط با ماده اند، از قبیل: وحدت، کثرت، کلی، جزئی و علت و معلول.

علوم نظری نیز چهار قسم دارد که عادتاً قسم اول آن طبیعی و قسم دوم ریاضی و قسم سوم الهی و قسم چهارم علم کلی نامیده می شود و این تقسیمی حقیقی است و در بیشتر کتب قسم چهارم که علم کلی باشد در

قسم سوم که الهی است، قرار داده شده است که در این صورت علوم نظری به سه قسم تقسیم می‌شود: ریاضی و الهی، اما بهتر از همه همان تقسیم‌بندی نخست است.

علوم عملی نیز چهار گروه است. قسمی که اخلاق نامیده می‌شود، علمی است که کیفیت آنچه را که یک انسان باید باشد تا سعادت دنیا و آخرت نصیب او گردد نشان می‌دهد.

قسمی که علم تدبیر منزل نامیده می‌شود، علمی است که کیفیت رفتار انسان را در منزل نسبت به خدمتگزاران و نزدیکان نشان می‌دهد تا امر معاش او دارای نظم باشد.

قسمی دیگر که علم تدبیر مدینه (= آئین شهرداری) است که کیفیت ضبط و حفظ شهرها و تدبیر و تادیب ساکنان آن بوسیله آن دانسته می‌شود.

قسمی که علم صناعت شارع (= تشریح) است و برای نظام مشارکات و معاملات کلی و جزئی همه انسانها است.

این چهار قسم جزء علوم عملی است، همچنانکه علوم نظری نیز چهار (قسم دارد). (۱۲)

(فخرالدین رازی (وفات ۶۰۶ هـ

از جمله کسانی که در تقسیم‌بندی علوم کتاب تالیف کرده است
فخرالدین محمد بن عمر رازی است که کتابش جامع العلوم مشهور به
کتاب الستینی (= شصتگانی) است زیرا در آن از شصت علم به ترتیب
شصت علم له ترتیب زیر بحث نموده است. ۱- کلام ۲- اصول الفقه ۳-
جدل ۴- خلاقیات ۵- مذهب ۶- فرایض ۷- وصایا ۸- تفسیر ۹- دلایل
الاعجاز ۱۰- قرائت ۱۱- احادیث ۱۲- اسامی الرجال ۱۳- تواریخ ۱۴-
مغازی ۱۵- نحو ۱۶- صرف ۱۷- اشتقاق ۱۸- امثال ۱۹- عروض ۲۰-
قوافی ۲۱- صنایع بدیعی شعر ۲۲- منطق ۲۳- طبیعیات ۲۴- تعبیر
(= خوابگذاری) ۲۵- فراست (= قیافه شناسی) ۲۶- پزشکی ۲۷- تشریح
۲۸- داروشناسی ۲۹- خواص ۳۰- اکسیر ۳۱- سنگ شناسی ۳۲-
طلسمات ۳۳- کشاورزی ۳۴- آثار قلع (= زدودن زنگ و آلودگی از
چیزی) ۳۵- دام پزشکی ۳۶- بازیاری و بازرداری ۳۷- هندسه ۳۸-
مساحت ۳۹- علم جراثقال (مکانیک) ۴۰- اسلحه شناسی ۴۱- حساب
هندی ۴۲- حساب الهوی ۴۳- جیر و مقابله ۴۴- ارشماطیقی ۴۵- اعداد
موافق ۴۶- مناظره ۴۷- موسیقی ۴۸- هیئت ۴۹- احکام ۵۰- رمل ۵۱-
عزائم ۵۲- الهیات ۵۳- آراء و دیانات ۵۴- مردم شناسی ۵۵- اخلاق

۵۶- سیاست ۵۷- تدبیر منزل ۵۸- شناخت آخرت ۵۹- دعاشناسی
۶۰- آداب الملوک

شیوه مولف در این کتاب در هر علمی مبتنی بر سه اصل است که در آن
مهمترین مطالب آن علم نهاده شده و ان را با سه سؤال مطرح می‌کند و
خود به آنها پاسخ می‌دهد از جمله کتابهایی که به روش جوامع العلوم
تالیف یافته، یواقیت العلوم و دراری النجوم است که به زبان فارسی
نگاشته شده است. این کتاب سی علم را به شرح زیر در برمی‌گیرد:

- ۱- کلام
- ۲- اصول فقه
- ۳- خلاف
- ۴- مذهب
- ۵- فرایض
- ۶- شروط
- ۷- ۱- تصوف
- ۸- معانی قرآن
- ۹- اسباب نزول قرآن
- ۱۰- ناسخ و منسوخ
- ۱۱- غرائب تفسیر
- ۱۲- قرائت
- ۱۳- نوادر قرآن
- ۱۴- غرائب حدیث
- ۱۵- امثال عرب
- ۱۶- معانی شعر عرب
- ۱۷- لغت شناسی عرب
- ۱۸- نحو و اعراب
- ۱۹- صرف
- ۲۰- عروج و نوادر شعر
- ۲۱- خط و کتابت
- ۲۲- انساب و تواریخ
- ۲۳- تعبیر خواب
- ۲۴- افسون و عزائم
- ۲۵- پزشکی
- ۲۶- کشاورزی
- ۲۷- اخترشناسی
- ۲۸- مساحت
- ۲۹- حساب
- ۳۰- فال و زجر.

نویسنده الیواقیت ناشناس است و شیوه‌اش به این صورت که نخست هر علمی را تعریف و فضیلت آن را بیان می‌کند آنگاه در هر یک از آنها (دوازده مساله را مطرح می‌سازد و به آنها پاسخ می‌دهد. (۱۳)

(ابن خلدون (وفات: ۸۵۸ هـ

عبدالرحمن بن خلدون در مقدمه کتاب خود با عنوان فی المعلوم و اصنافها و التعليم و سائر وجوهه و مایعرض ذلک کله من الاحوال باب مستقل را اختصاص به تقسیم علوم می‌دهد

ابن خلدون علوم متداول عصر خویش را به دو بخش بزرگ تقسیم می‌کند.

نوعی که برای انسان طبیعی است که با فکر خویش به آن راه می‌یابد - ۱
۲- نوعی دیگر که نقلی است و باید از واضع آن دریافت کند

نوع اول علوم حکمی و فلسفی است که انسان با طبیعت فکر و اندیشه خویش می‌تواند بر آن واقف گردد و بوسیله درک و فهم انسانی به موضوع و مسائل و چگونگی استدلال و برهان و شیوه‌هایی آموزشی آنرا می‌یابد.

دوم علوم نقلی و وضعی است که کل آن به خبر واضع شرعی آن مستند و عقل تنها می‌تواند فروع مسائل را به اصول ملحق نماید... و اصل همه این علوم نقلی، شرعیاتی از کتاب و سنت است که از طرف خداوند و پیامبر او برای ما وضع گردیده است و آنچه به این علوم مربوط می‌شود. امام علوم حکمی و فلسفی یعنی علوم عقلی مربوط به مذهب خاصی نیست، بلکه در آن به همه مذاهب ملل دیگر نیز پرداخته می‌شود و آنها در درک و مباحث آن برابرند این علوم در نوع انسانی به آغاز خلقت باز می‌گردد. امام علوم نقلی که «مربوط به مذاهب اسلامی و ملل است» اگر چه فی الجملة هر ملتی باید از اینم قبیل امور داشته باشند. پس این علوم در جنس بعید با آنها مشارکت است زیرا آنها علوم شرعی است که خداوند برای صاحب شریعت که مامور تبلیغ آن است، نازل کرده است.

علوم شرعی نزد ابن خلدون عبارت است از: ۱- علوم قرآن ۲- حدیث ۳- فقه ۴- فرائض ۵- اصول فقه ۶- جدل و خلافيات ۷- کلام ۸- تصوف ۹- تعبیر خواب ۱۰- زبان عربی ۱۱- نحو ۱۲- لغت عربی ۱۳- بیان ۱۴- ادبیات

ابن خلدون در آغاز علوم عقلی را به چهار بخش تقسیم کرده است

منطق ۲- علم طبیعی ۳- الهیات ۴- منطق ۵- طبیعیات ۶- پزشکی ۱-
(۷- کشاورزی ۸- الهیات ۹- سحر و طلسمات ۱۰- کیمیا ۱۴)

سیوطی (وفات ۹۱۱ هـ) جلال الدین عبدالرحمن سیوطی کتابی به نام
النقایه تالیف و سپس خود آن را شرح کرده و آن را اتمام الدریه لقراء
النقدیه نامیده است. او کتاب را با بحث از اصول دین آغاز می کند و
تقسیم بندی علمی را که از آنها در کتاب خویش بحث می کند یادآور
می شود. ما بر آنیم که خلاصه ای از آن را به ترتیب ذیل ذکر کنیم.

اصول دین» کتاب را با این علم آغاز کردم زیرا که به طور مطلق از «
اشراف علوم است و از آنچه که صحت ایمان بر آن استوار است بحث
می کند. و مقصودم از آن «علم کلام» نیست که ادله عقلی در آن مورد
نظر است و نظر فلسفه در آن نقل می شود. سپس به دنبال آن علم
«تفسیر» را آوردم زیرا که اشرف علوم سه گانه شرعی است زیرا به کلام
«خداوند متعال» مربوط است. آنگاه به حدیث پرداختیم زیرا در فضیلت
پس از فقه قرار دارد. سپس به «اصول فقه» روی آوردم. زیرا که از فقه
شریف تر است، چه اصل از فرع شریف تر است آنگاه به «فرائض» که از
ابواب فقه است پرداختم. سپس به علم ابزاری از «نحو و صرف»
پرداختم. زیرا که بلاغت بر آن استوار است و از آنجایی که خط یکی از

دو قسمت زبان است. پس از «صرف و نحو» «خط» را شروع کردم. آنگاه از علوم بلاغت «معانی» را آغاز کردم. زیرا که «بیان» بر آن متوقف است. «بدیع» را پس از آن دو آوردم. چون تقریباً تابع آن دواست. چون این علوم مبتنی بر اصلاح زبان است که عضوی از انسان را تشکیل می دهد، مناسب دانسته شد که به «پزشکی» که اصلاح تمام بدن به عهده آن است، بپردازم. «تشریح» را بر طب مقدم داشتم، زیرا که نسبت آن به «پزشکی» مانند نسبت صرف است به نحو چون «پزشکی» مانند نسبت صرف است به نحو چون «پزشکی» برای معالجه بیماریهای ظاهری در دنیا است، «تصوف» نیز که به معالجه بیماریهای باطنی و اخروی می پردازد، مورد (بررسی قرار گرفت. (۱۵)

(طاش کبری زاده (وفات ۹۶۸هـ

احمد بن مصطفی، و عروف به طاش کبری زاده کتاب مبسوطی درباره تعاریف علوم، تقسیم بندی و بیان اصطلاحات آن به نام مفتاح السعاده و مصباح السعاده فی الموضوعات العلوم تالیف کرد و در مقدمه آن به تقسیم بندی اجمال علوم پرداخت

بدان که برای اشیاء چهار مرتبه از وجود است: کتبی، لفظی، ذهنی و «عینی (=خارجی). و هر یک از آنها وسیله ای است برای دیگری، زیرا که

خط دال است بر الفاظ و الفاظ دلالت بر وجود ذهنی دارند و آنچه که در ذهن است دلالت بر وجود خارجی دارد و وجود عینی وجود اصیل حقیقی است. و در وجود ذهنی اختلاف است، که آیا آن وجود حقیقی است یا «مجازی ولی دو قسم اول بطور قطعی وجود مجازی است

علوم مربوط به سه قسم اول، بر سه گروه‌اند. آنچه مربوط به وجود خارجی است یا عملی است یا نظری. آنگاه هر یک از آنها بر حسب اینکه از شروع گرفته شده، علم شرعی و بر حسب اینکه از عقل گرفته شده، علم حکمی است. و اینها اصول هفتگانه را تشکیل می‌دهند و هر یک از آنها انواع جداگانه دارد و آن انواع نیز فروعی دارد. (۱۶)

طاش کبری زاده کتاب خود را بر مبنای هفت شجره بزرگ تقسیم‌بندی کرد که هر یک از آنها شعبه‌هایی برای بیان فروع دارد. این درختان هفتگانه عبارتند از

علمی که از معقولات ثانیه - علوم خطی ۲ - علوم مربوط به الفاظ ۳- ۱ سخن می‌گوید ۴- علوم مربوط به وجود خارجی ۵- علوم حکمی عملی ۶- علوم شرعی ۷- علوم باطن. و این اخیر را به چهار شعبه تقسیم کرده است: عبادات، عادات، مهلکات و منجیات

وی کتاب «الاحیاء» ابو حامد غزالی را خلاصه کرده و همه علوم مندرج در کتاب به ۳۰۵ علم بالغ می شود. او در هر یک از این علوم، کتابهای مهم را با ذکر مختصری در شرح حال مؤلف آورده است. و کتاب مفتاح السعاده از مفصل ترین کتابهای این فن است.

(صدرالدین شیرازی (وفات ۱۰۵۰ هـ

صدرالدین محمد شیرازی معروف به **ملاصدرا** باب اول از کتاب خود اکسیر العارفین را به تقسیم علوم و انواع آن اختصاص داده و در این باب پنج فصل به ترتیب ذیل آورده است: ۱- در تقسیم مطلق علوم ۲- در تقسیم علم گفتارها ۳- در تقسیم علم کردارها ۴- در تقسیم علم اندیشه ها ۵- در علم آخرت. و ما در اینجا خلاصه ای از آن فصول را یادآور می شویم.

فصل اول: در تقسیم مطلق علوم

این علم به دو قسمت دنیوی و اخروی تقسیم می شود دنیوی به نوبه خود سه قسم است که عبارتند از: ۱- اقوال ۲- افعال ۳- احوال

فصل دوم: در تقسیم علم اقوال: (=گفتارها) و آنچه متعلق بدانست

این علم یا عامی است یا خاصی، عامی بر حسب موضوع به سه گروه تقسیم می‌شود

آنچه مربوط به آواهای ساده است که در آن، جماد، حیوان، چارپایان، - ۱ انسان، عاقل و کودک مشترکند

آنچه مربوط به حروف مفرده‌ای که از حرکات و هیات پدید می‌آید - ۲

آنچه متعلق به الفاظی است که دلالت بر معانی حاصل از ترکیب - ۳ حروف در زبانی از زبانها اعم از عربی و فارسی و عبری سریانی و جز آن دارد.

فصل سوم: در تقسیم علم اعمال

علوم فعلی نیز چهار قسم دارد: ۱- آنچه که مربوط به اعضاء و جوارح است، نظیر فعل صاحبان حرفه‌ها، از قبیل بافندگی، کشاورزی و معماری که پایین‌ترین اقسام علوم فعلی است. ۲- آنچه از تقسیم پیشین اندکی بالاتر است مانند علم کتابت، حیل، کیمیا، شعبده، قیافه‌شناسی و مانند آنها. ۳- آنچه که به تدبیر معاش وابسته است و به وجهی که به صلاح امر دنیا بمنظور بقای خود شخص یا نوع یا هیأت اجتماعی بستگی دارد یا نوع یا هیأت اجتماعی بستگی دارد یا به وجهی است که مربوط می‌شود به

امر دین و صلاح آخرت مانند علم معاملات همچون: نکاح، طلاق، دیابت، جرائم و حدود و نظایر آن که علم شریعت است. ۴- آنچه که مربوط به اخلاق زیبا و کسب ملکات و فضائل و پرهیز از ملکات بد و رذائل است که علم طریقت و دین است.

فصل چهارم: در علم افکار

و این دارای چهار قسم است. ۱- شناخت حدود و برهان. و این دو مبدئی برای رسیدن به اشیاء و حقایق آن است.

یکی که حد است بمنظور حقیقت شیء و تصور ماهیت آن منتهی می شود و دوم قسمی که منتهی به حضور وجود و تصدیق به هلیت آن می شود. هر یک از این دو در حدود با یکدیگر مشارکت دارند. اجزاء حد بعینه همان اجزاء برهان است با تفاوتی در نظم و ترتیب آن که در علم میزان (=منطق) بیان شده است.

شناخت حساب، عدد و انواع و کمیات منفصله و انواع مراتب و خواص ۲- آن را تشکیل می دهد. ۳- هندسه و کمیات متصله القاره مانند خط، سطح، جسم و انواع هیئت ها و اشکال آن، که هیئت و نجوم از آن پدید می آید که عبارتست از معرف افلاک و تعداد ستارگان و مقدار ابعاد و بزرگی اجرام و چگونگی حرکات آنها از نظر اندازه و جهت و از آن علم احکام

نجوم و علم کهنانت، و تعبیر خواب منسعب می‌گردد. ۴- علم طبیعت و پزشکی و دامپزشکی که شناخت کیفیت عناصر، حرکات، انفعالات و آمیختگی هر یک از آنها و نیز شناخت مزاج و ایجاد ترکیبات تام و غیره از آن است و همچنین شناخت موالید (=زاده‌ها) سه گانه یعنی جمادات، نباتات و حیوانات و اصل حرکت و سکون هر یک از آنهاست. و نیز مربوط است به علم حیوان‌شناسی و شناخت و نیروهای ادراک و حرکت آن و انسان‌شناسی و نیروهای علمی و عملی او. فایده این علم و هدف از آن حفظ مزاج و اصلاح نمو و بقای حیات است. هر گاه این علم در غیرانسان یعنی در مورد حیوان به کار برده شود. دامپزشکی و رام کردن ستورش می‌نامند و چون مورد غیر حیوان به کار رود کشاورزی و دهقانی نامیده می‌شود. و آن علمی است که با نابودی بدن و یا ویرانی جهان از میان نمی‌رود و آن علم به خدا و فرشتگان و کتابها و پیامبران اوست.

(۱۷))

سخن پایانی

ما در صدد بسط کلام با ذکر آنچه در برخی از کتب مبسوط و در این باب آمده است، نبودیم. کتابهایی مانند کشف اصطلاحات الفنون تهانوی (وفات: ۱۱۵۸ هـ) و نیز کشف الظنون عن اسامی الکتب و الفنون چلیپی

(وفات: ۱۰۶۷ هـ) چیزی افزون بر آنچه که از این دانشمندان ذکر کردیم، ندارند و نیز باید گفت هدف در این مقاله بررسی و استقصای تام کتب این فن نبود. لذا به کتاب ارشاد القاصد الی أسنی المقاصد محمد بن ابراهیم اکفانی (وفات: ۷۴۹ هـ) و انموذج العلوم جلال‌الدین محمد بن اسعد دوانی (وفات ۹۰۷ هـ) و فهرس العلوم محمد بن مرتضی معروف به فیض کاشانی اشاره نکردیم. لازم به یادآوری است در کتبی نیز که در این فن نگاشته نشده اند، اشاراتی به فروع و شعب علوم و فنون می‌شود. از قبیل نهاییه الارب فی فنون الادب نویری (وفات: ۷۳۳ هـ) صبح الاعشی فی صناعه الانشاء قلقشندی (وفات ۸۲۱ هـ) و المواعظ و الاعتبار بذكر الخطط و الاثار مقریزی (وفات: ۸۴۵ هـ) و همچنانکه در آغاز مقاله وعده داده این اکنون به اختصار به برخی از ویژگی‌های کتابهائی که در این مقاله یاد کردیم می‌پردازیم

فارابی چون غرق در آثار افلاطون و ارسطو بود در تقسیم بندی علوم نیز آنها پیروی نمود و کتاب او راهنمای دانشجویان فلسفه است که بوسیله آن کتاب به موضوع علمی که در صدد یادگیری آن هستند و سود و هدف آن آشنا گردند.

همین وضع در رسائل اخوان الصفا دیده می شد چون این رسائل دائره المعارف جامعی در فلسفه و علوم است و خواننده خود را در برابر آثار افلاطون و ارسطو اما بصورتی اسلامی می بیند. اصطلاحات یونانی که در رسائل آمده است از قبیل ارثماطیقی و جومطریا و اسطرنومیا و نظایر آن این نکته را تأیید می کند. اما هدف ابن ندیم از تالیف برخلاف فارابی و اخوان الصفا فهرستی بود از همه کتب علمی تا آن زمان و تقسیم بندی آنها. در آن کتاب تقسیم بندی موضوعی بود یعنی انواع علوم که پس از آن شرح حال مختصری از مولفان هریم را ارائه می دهد. خوارزمی ادیب کتاب خود را معجم اصطلاحات همه علوم مشهور عصر خویش قرار داد و از علمی که غیر عربی است اصطلاحات غیر عربی فراوانی اصول دین و کلام تفاوت قائل است زیرا علم کلام در عصر او مورد نکوهش بود و همو بود که صون المنطق و الکلام عن المنطق و الکلام را تالیف نمود. طاش کبری زاده به تفصیل به تقسیم بندی علوم می پردازد و کتابی مفصل تر از مفتاح السعاده او در تقسیم بندی علوم نمی یابیم. وی در این متاب بیش از سیصد اثر را بر شمرده است. اما روش تقسیم بندی وی بر تالیف کتاب استوار است نه بر تقسیم بندی مجرد فلسفی، اگر چه در تقسیم بندی علوم از موضوعات عام به خاص باز می گردد.

او از کتب گذشتگاه بهره جسته است ولی از کتاب کم حجم ابن سینا به صراحت نام می برد. صدرالدین شیرازی در ابتدای کتاب خود دیباچه‌ای در تقسیم علوم آورده تا آن مقدمه برای معرفت نفس که پذیرای علوم است قرار دهد. او می‌خواهد به علمی برسد که با آن معرفت آفاق و انفس و سعادت آخرت و لقاء خداوند متعال حاصل آید و تقسیم علم له علم اقوال و افعال و احوال از ابتکارات این فیلسوف عارف است. در همین جا مقاله خود را به پایان می‌رسانیم.

.....

یادداشتها

1. عبدالرحمن بدوی در افلان فی الاسلام (تهران، ۱۹۷۴) آن را چاپ کرده است.

2. محسن مهدی در ۱۹۶۱ در بیروت آن را چاپ کرده است.

3. احصاء العلوم، دارالفکر العربی، ص ۴۴

4. رسائل الفارابی، حیدرآباد، ۱۹۲۶، ص ۲۱-۱۹

5. رسائل، بیروت، ۱۹۵۷

6. الفهرست، تهران، ۱۳۹۱ هـ ص ۴

7. مفاتیح العلوم، تهران (افست چاپ لیدن) ص ۷-۵

8. خدیو جم، حسین، تحقیقاتی درباره کتاب جوامع العلوم تصنیف شعیابن فریغون (تهران ۱۹۷۲) نام شیعا در نسخه کتابخانه اسکوریال و در چاپ موسسه تاریخ علوم عربی و اسلامی آمده است، امام در نسخه کتابخانه احمد ثالث (چاپ فرانکفورت ۱۹۸۵) متغبی بن فریغون ذکر شده است و فریغون درست است.

9. الشفاء المنطق - المدخل (قاهره ۱۹۵۲) ص ۱۴-۱۲

10. اقسام العلوم العقلیه، فی تسع رسائل فر الحکمه و الطبیعیات (قاهره - ۱۹۰۸) ص ۱۱۸-۱۰۵

11. رساله ابی ریحان فی فهرست کتب الرازی، پاریس، ۱۹۳۶

12. بیان الحق بضمان الصدق، تهران ۱۹۸۶، ص ۱۱۷-۱۱۳

13. جامع العلوم، بمبئی، ۱۳۲۳ هـ چاپ حجر، یواقیت العلوم، تهران، ۱۳۴۵ هـ ش

14. مقدمه ابن خلدون، قاهره، ۱۳۴۹ هـ ص ۴۲۵-۳۶۴

15. اتمام الدرايه لقراء النقايه، قاهره، ١٣٤٨ هـ در حاشيه مفتاح العلوم

ابويعقوب سكاكى

16. مفتاح السعاده، قاهره، دارالكتب الحديثه، ج ١، ص ٧٤

17. اكسير العارفين، توكيو، ١٩٨٤ ص ١٠-٤

